زندگی قدس

پنجشنبه ۹ اسفند ۱۳۹۷
۲۲ جمادی الثانی ۱۴۴۰
سال سی و دوم
شماره ۸۹۱۵
۲۸ فوریه ۲۰۱۹
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

آیت‌الله تحریری در نشست «روش تحلیل سیاسی دینی»:

هدف سیاست دینی، تکامل همه‌جانبه جامعه‌است

۱۱

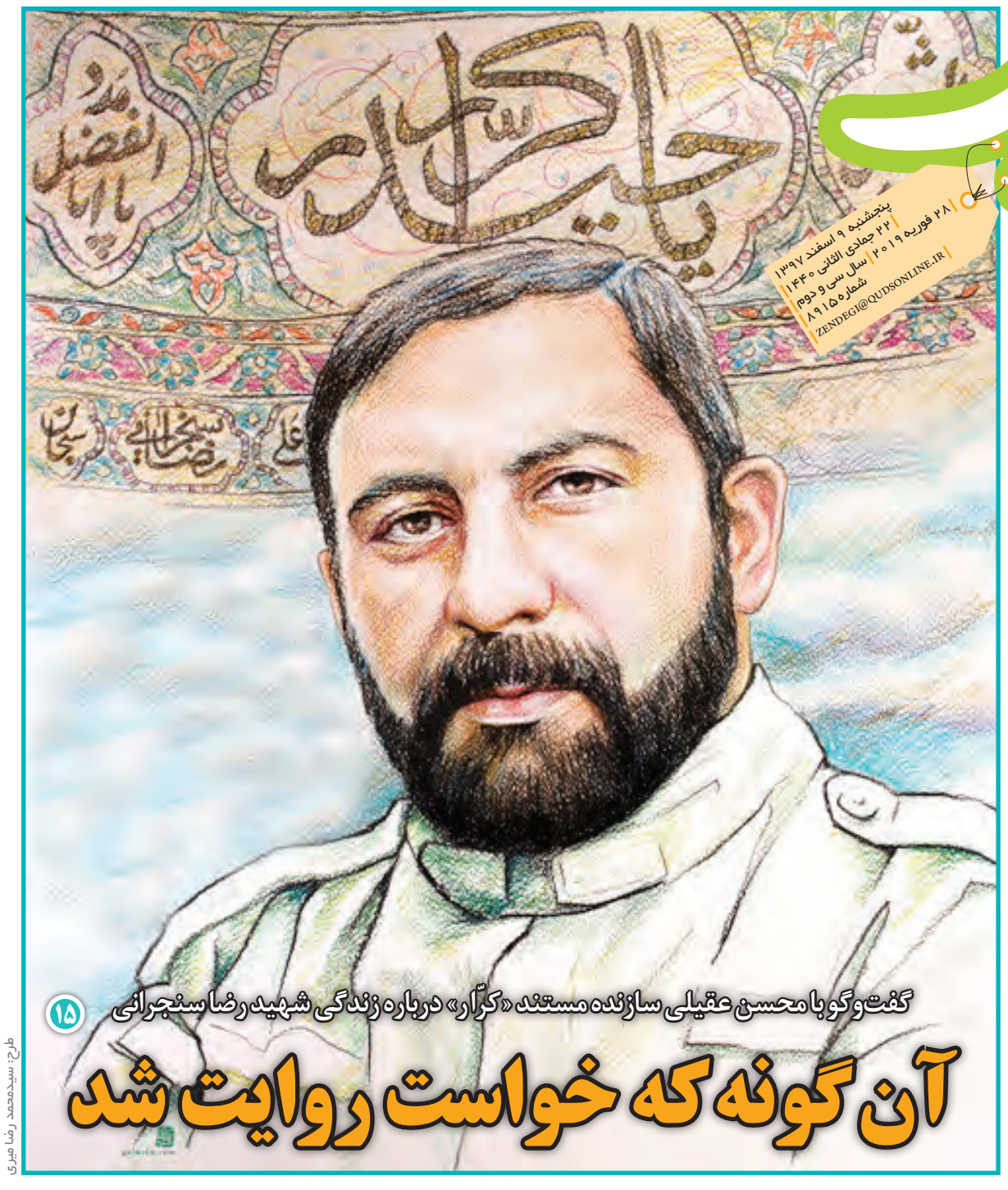

۱۵

گفت‌وگو با محسن عقیلی سازنده مستند «کرّار» درباره زندگی شهید رضا سنجرانی

آن گونه که خواست روایت شد

طرح: سیدمحمدرضا میری

۱۰

مردم

رو در رو با «سید مازیار آل داوود» که ۲۰ سال پیش قید زندگی در تهران را زد تا گردشگری روستایی ایران را راه بیندازد

کارآفرین کویر

شوریدگی ظاهر، هیبت و درشتی جثه، بمی طنین صدا و...؛ بسیاری از آنچه لازم است تا آدم یک شخصیت بخصوص به نظر برسد. «مازیار آل داوود» همه این‌ها را دارد. او را این سال‌ها «مرد کویر» می‌خوانند؛ آدمی که اگر دمخورش بشوی، گاهی او را بازمانده‌ای از قرن هفتم و هشتم هجری می‌یابی، پایبند به سنت‌های اصیل ایرانی، گاهی اما آدمی از سال‌های آینده، با نگاهی که انگار همه چیز در آینده برایش خوشایند است.

مازیار ۲۰ سال پیش از این، رخت شهرنشینی‌اش را در روستای پدری‌اش پهن کرد تا بشود یک روستایی اصیل. شاید هم بیشتر؛ روستایی‌ای که کشاورزی می‌کند و چوپانی، شترداری و دامداری و خلاصه همه آنچه از او یک تولید کننده می‌سازد، البته به اضافه حقی که این سال‌ها بر گردن گردشگری روستایی کشور داشته تا حالا «پدر بومگردی ایران» لقب بگیرد. همه این‌ها بهانه‌های خوبی است؛ بهانه‌هایی برای اینکه گازش را بگیریم و خودمان را برسانیم به گرمه و بنشینیم روبه‌روی او، روی پشت بام خانه‌اش، رو به نخلستان و کوهستانی که حد نهایی روستای پدری اوست و بشنویم ماجرای این ۲۰ سال را...

۱۴

ادب و هنر

نگاهی به تئاتر ایرانی - سوریِ «الشمس تشرق من حلب»

خورشیدی فراتر از زمان و زبان

۱۶

ایستگاه

«احمد شاه» اسفند ۱۳۰۸ در پاریس مُرد

شاه بی‌دل و دماغ

در همه دوران زندگی و سلطنت کوتاه و ناپایدارش، نقطه روشن، بخت واقبال بلند، تصمیم جدی و اقدام مثبت و تأثیرگذاری دیده نمی‌شود که بتوانیم دلمان را به آن خوش کرده و آخرین تاجدار سلسله قاجار را به همان بهانه، سوژه گزارش از شخص کنیم. بنابراین بهانه دیگری نمی‌ماند جز ۹ اسفند سال ۱۳۰۸ که می‌گویند در فرانسه، مرگ، ردای زندگی را هم مثل تن‌پوش سلطنت از تنش بیرون آورد. «احمد شاه» گویا آخرین رمق و نفس‌های احتضار سلسله قاجار بود. همان قدر هم که در سلطنت بی‌رمق بود، از تاج و تخت و مسئولیت‌های سنگینش فراری به نظر می‌رسید. خیلی‌ها خواستند و تلاش کردند تا نگذارند تیغ بی‌رحم رخدادهای سیاسی و غیرسیاسی، زنجیره سلطنت ...

۱۲

ورزش

پرونده ای برای مالکان پردردسر فوتبال ایران

مولتی‌میلیاردرها درآفساید قانون!

مجاز آباد

واکنش سردار سلیمانی به حواشی استعفای ظریف

صفحه اینستاگرامی منتسب به سردار سلیمانی در واکنش به حواشی اخیر استعفای ظریف، با انتشار تصویری از سردار سلیمانی و ظریف در آغوش یکدیگر نوشت: «آقای دکتر ظریف برای تأمین منافع ملی کشور پیوسته اقدامات ارزشمندی را در سطوح گوناگون انجام داده است. در جریان سفر اخیر آقای بشار اسد به تهران و ملاقات وی با آقای دکتر روحانی رئیس جمهور محترم، برخی ناهماهنگی‌ها در نهاد ریاست جمهوری که مطرح هم شده، منجر به عدم حضور وزیر امور خارجه کشورمان در این ملاقات و متعاقباً گلایه‌مندی ایشان شده است. قرائن نشان می‌دهد هیچ گونه تعمدی برای عدم حضور آقای دکتر ظریف در این ملاقات نبوده است.

جواب این دزدی را بدهید!

«صدرا ونایی» فعال فضای مجازی و رسانه‌ای با انتشار رشته توییتی در صفحه شخصی‌اش خطاب به وزیر ارتباطات نوشت: «جناب جهرمی فرمودند انتقاد کنید! پس خوشحال می‌شوم جواب این دزدی را بدهید: در اردیبهشت ماه امسال جناب آشنا از وجود شبکه توزیع محتوا در داخل کشور برای پیام رسان تلگرام خبر دادند. شبکه توزیع محتوا به این معناست که شما به جای دریافت داده‌های مورد نظر از سرور اصلی، آن را از نزدیک‌ترین سرور داخلی به خود دریافت می‌کنید؛ به عبارتی هزینه ترافیک بین‌الملل برای شما تبدیل به هزینه ترافیک داخلی می‌شود. اما هزینه‌ای که وزارت ارتباطات از مردم دریافت کرده بر اساس ترافیک بین‌الملل بوده‌است؛ یعنی دوبرابر قیمتی که باید پرداخت می‌کردیم».

کج سلیقگی رسانه‌ای

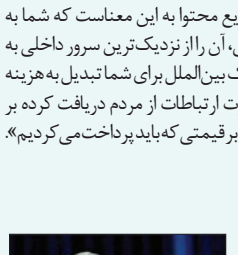

علیرضا زاکانی نماینده سابق مجلس، در واکنش به کج سلیقگی رسانه‌ای برخی جریان‌های سیاسی در حاشیه استعفای ظریف، در توییترش نوشت: «روزنامه ایران: نتیجه رفتن ظریف ممکن است جنگ باشد! روزنامه آفتاب یزد هم در صفحه نخست، بنده را به عنوان موافق استعفای زشت و نابجای آقای ظریف معرفی کرد که بداخلاقی و تهمتی آشکار بود. بحران زیستی، دروغ‌گویی‌های آشکار و تحلیل‌های غلط، کار ثابت جریانات سیاست باز است».

نژادپرستی در شبکه خانگی

سریال ممنوعه که بیش از این به علت نمایش صحنه‌های غیراخلاقی خبرساز شده بود، بار دیگر با پخش سکانس‌های توهین‌آمیز نسبت به افغانستانی‌ها سوژه شبکه‌های مجازی شد. یکی از کاربران درباره این سریال نوشته است: «تو سریال ممنوعه یک افغانستانی رو آوردن و کله شو بز تراش کردن و ازدواج با اون رو مجازات شخصیت اصلی قرار دادن! واقعاً چقدر می‌تونن نژاد پرست باشن عوامل این سریال؟» کاربر دیگری هم نوشته است: «این چه گریمی است واقعاً؟ چه طرز برخورد با یک افغانستانی است؟ با یک بازیگر ایرانی هم چنین کاری رو می‌کنید هیچ وقت؟»

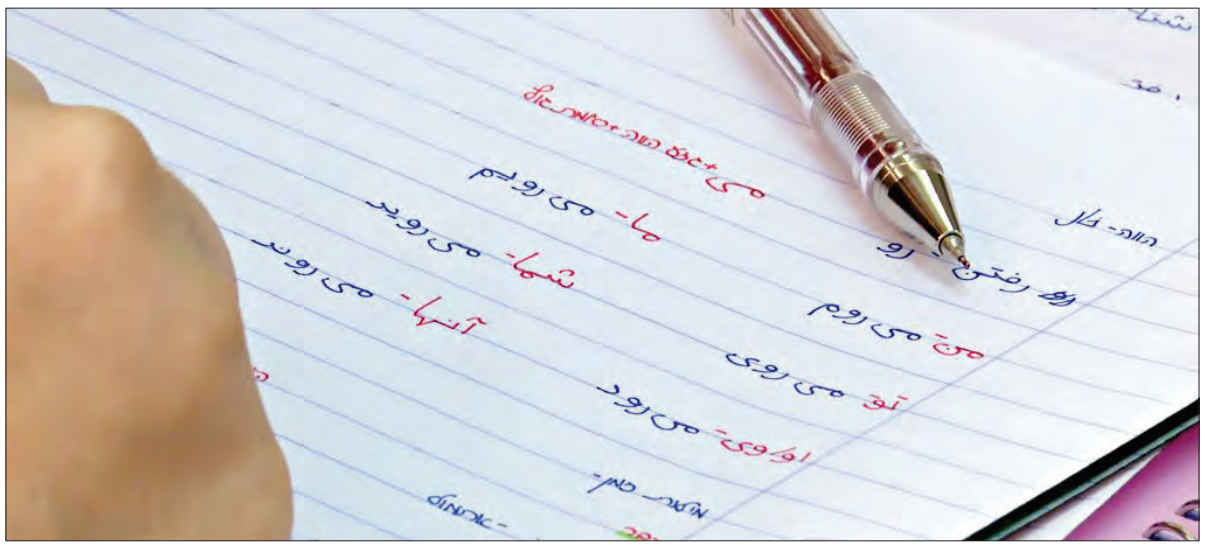

چرا در چند سال اخیر، یادگیری زبان فارسی برای صهیونیست‌ها مهم شده است؟

برنامه ایران!

کمالی: دشمنی و کینه قدیمی و البته آشکار یهودیان صهیونیست با مذاهب اسلامی بویژه تشیع، نیاز به اثبات و دلیل منطقی و برهان ندارد. پیروزی‌های پی در پی و فتوحات گسترده مسلمین در سرزمین حجاز، بنی اسرائیل را وادار کرد تا برای جلوگیری از خطر نفوذ روزافزون دین محمد(ص) در اقصی نقاط عالم و به حاشیه رفتن دینی مثل یهود که دیگر آیین حضرت موسی(ع) نبود و علمایشان تا توانسته بودند آن را تحریف کرده بودند، رو به ترفند تخریب از درون آورند و با تسلیم شدن ظاهری و درآمدن در هیئت تازه مسلمان‌ها، ریشه اسلام را از داخل خشک کنند. کعب الاحبار در صدر اسلام کارشان جعل حدیث بود و ایجاد فرقه بابیت و بهایی‌گری در ایران فقط بخشی از اقدامات یهودی‌های صهیونیست است. آن‌ها این روزها دوباره مثل قبل شمشیر را از رو بسته‌اند و عمده توجهات و سرمایه‌گذاری‌های سرانشان بر شناخت بیش از پیش ایران و ایرانی (به عنوان دشمن شماره یک اسرائیل) معطوف شده است. به همین دلیل است که مدام درحال تشویق شهروندان صهیونیست بخصوص جوانان و نوجوانان به شناخت مذهب، رسوم و سنت‌های ایرانی و همچنین آموزش زبان فارسی به آن‌ها هستند، تا مثل امروزی لشکری از همین آدم‌ها در شبکه‌های اجتماعی شروع کنند به تفرقه و شبهه افکنی و تخریب چهره اسلام.

نبرد مجازی

تا همین ۵۰-۴۰ سال پیش اگر دو کشور می‌خواستند که با هم بجنگند، با اعزام نیروی نظامی، بمب، موشک و دیگر تسلیحات از خجالت هم درمی‌آمدند و همدیگر را به خاک و خون می‌کشیدند، اما امروز صحنه نبرد کمی عوض شده است و کار به رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی رسیده است. درست شبیه همین اتفاقی که امروز میان ایران و اسرائیل در حال رخ دادن است. لشکر پیاده نظام اسرائیلی‌ها با اکانت‌های جعلی که بیش از ۹۰درصدشان با زبان فارسی و اسامی ایرانی و تصاویر مذهبی در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، کارشان شایعه‌سازی، شبهه‌افکنی و به سخره گرفتن مقدسات است؛ جامعه هدفشان هم مردم ایران است. صهیونیست‌ها خیلی وقت است که همه توان و انرژی‌شان را روی این برنامه گذاشته‌اند و حالا شاهد رشد قارچ‌گونه این دست صفحات هستند که هیچ هدفی جز ترویج عقاید پوچ و ضدارزش و گسترش تفرقه‌افکنی در میان مردم ندارد.

مدارس جاسوس‌پرور

اما سؤال اینجاست که صاحبان این صفحه‌ها کجا و چطور زبان فارسی را یاد گرفته‌اند؟ آن هم نه دست و پا شکسته، بلکه کاملاً شبیه کسی که زبان مادری‌اش فارسی است. اسرائیلی‌ها از مدت‌ها پیش، یعنی چندی پس از انقلاب اسلامی ایران، به تربیت کارشناسانی که فارسی بلد باشند و از اسلام سردربیاورند رو آورده‌اند. این روزها ولی در حال افزایش کمی و کیفی تعداد کارشناسان فارسی زبان خودشان هستند که سیاست‌های دشمن قدیمی‌اش یعنی ایران را درک می‌کنند. برای همین از سال ۲۰۱۴ درحال اجرای برنامه یک ژنرال بازنشسته ارتش به نام پینی اشمیلوویچ هستند. در این برنامه که نامش را «ایران» گذاشته‌اند و در یکی از دبیرستان‌های رژیم صهیونیستی برگزار می‌شود، بیش از ۵۰ دانش‌آموز هفته‌ای پنج ساعت خواندن، نگارش و گویش به زبان فارسی را فرا می‌گیرند. تا به این ترتیب در پایان این دوره دو ساله بتوانند مکالمات ابتدایی را به زبان فارسی انجام دهند. در این برنامه عجیب به این نوجوانان ۱۷-۱۶ ساله هفته‌ای سه ساعت درباره سیاست ایران نیز آموزش‌هایی داده می‌شود. جالب اینجاست که همه این نوجوانان پس از فارغ‌التحصیلی جذب موساد یا ارتش اسرائیل می‌شوند و احتمالاً چند صد اکانت فیک تحویلشان می‌دهند که مشغول لجن‌پراکنی شوند.

ارتش سایبری فارسی‌بلد

کار فارسی‌آموزی فقط به دبیرستان و جذب سالانه ۵۰ نفر در برنامه ایران ختم نمی‌شود. وب‌سایت خبری «وای‌نت» می‌نویسد: «اطلاعات ارتش اسرائیل همزمان با تشکیل دوره‌های آموزش زبان فارسی به سربازان اسرائیلی به دنبال جذب جوانان خانواده‌های ایرانی‌الاصلی است که به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند».خبرگزاری رویترز هم در گزارشی با عنوان «سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل به دنبال جذب فارسی‌زبان‌ها» نوشت: «درپی نیاز بالای سرویس‌های اطلاعاتی ارتش اسرائیل به فارسی زبانان، این بخش‌ها در حال جذب ساکنان ایرانی‌تبار سرزمین‌های اشغالی هستند» دوره آموزش زبان فارسی در ارتش رژیم صهیونیستی با تکیه بر گزارش‌های روزانه صداوسیمای جمهوری اسلامی انجام می‌شود و سربازان اسرائیلی باید در مورد فعالیت‌ها و گفتارهای روزانه رئیس‌جمهور سابق کشور تا ارسال ماهواره‌های ایرانی حامل موش و سوسک به فضا و حتی گزارش‌های اجتماعی و ورزشی ایران اطلاعات کسب کنند. طبق گزارش رسانه‌های رژیم صهیونیستی بیشتر جوانانی که وارد دوره آموزش زبان فارسی ارتش رژیم صهیونیستی می‌شوند، هیچ چیزی از زبان فارسی نمی‌دانند و در یک دوره بشدت فشرده ۶ ماهه که فارسی را همانند یک ایرانی که زبان مادری‌اش است، یاد می‌گیرند و در پایان این دوره وارد نیرویی موسوم به ۸۲۰۰ می‌شوند. نیرویی که کارش مأموریت شنود، رمزگشایی از کدهای رایانه‌ای، جنگ و دفاع سایبری، ساخت انواع بدافزارها و هر آنچه در حوزه جاسوسی و جمع آوری اطلاعات و یا ضربه زدن به سایر کشورهاست کسانی که جذب یگان ۸۲۰۰ شده‌اند، برای رواج اندیشه‌های صهیونیستی و نفوذ در جهان عرب و ایران، مسموم کردن فرهنگ و تفکرات آنان و نیز ضربه زدن به ارزش‌های اخلاقی و انسانی و عقیدتی به کار گرفته شده‌اند و در واقع این جمع، یک ارتش سایبری را تشکیل داده‌اند تا در فضای مجازی اهداف خاصی را دنبال کنند. هم‌اکنون صدها تن از اعضای این بخش از واحد ۸۲۰۰، در پوشش کاربران فضای مجازی در کشورهای مختلف جهان، مشغول شایعه پراکنی، ترور شخصیتی رهبران مستقل جهان، ایجاد درگیری‌های مذهبی و سیاسی و... هستند.

خواندنی‌ها

خاطره ای از عباس معروفی

انصاف درباره «گردون»

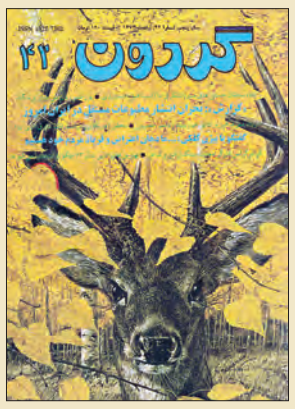

خاطرات عباس معروفی در مواجهه با حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم رئیسی به عنوان دادستان تهران شاید برای خیلی از اهالی فرهنگ و رسانه تکراری باشد، اما با توجه به شایعاتی که این روزها مثل نقل و نبات درباره دوران حضور حجت الاسلام والمسلمین رئیسی در قوه قضائیه در فضای مجازی دست به دست می‌شود، خواندن این خاطره از زبان عباس معروفی، مدیر مجله توقیف شده «گردون» در دهه ۷۰ خالی از لطف نیست: روز ۱۹ آذر ۱۳۷۰، بازجویم حکم توقیف موقت گردون را به دستم داد. نمی‌دانستم چه خاکی به سرم بریزم. نامه‌نگاری، ملاقات، دیدار و گفت‌وگو هیچ‌کدام فایده‌ای نداشت تا اینکه قاضی پرونده‌ام در دادستانی انقلاب حکم مرا اعلام کرد: «اعدام».

چند روز بعد به من خبر دادند که روزهای سه‌شنبه حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم رئیسی، دادستان انقلاب، بار عام دارد و قرار شد که من از ساعت ۶ صبح سه‌شنبه آنجا باشم. ساعت ۱۲ من توانستم آقای رئیسی را ببینم. گفت: بفرمایید! خودم را معرفی کردم، آقای رئیسی کمی نگاهم کرد، با لبخند گفت: «همون عباس معروفی معروف؟» گفتم: «بله همون غول بی‌شاخ و دم که هر روز کیهان می‌نویسه». دادستان انقلاب گفت: «خب آقای معروفی، چه می‌کنید؟» گفتم: «رمان می‌نویسم، کتاب چاپ می‌کنم، ادیتوری می‌کنم، هر کار که بشه چون دفترم بازه، اما شما انتشار گردون رو توقیف کردین». گفت: «خب فکر می‌کنی چرا توقیف شده؟» گفتم: «همکاران شما از من می‌پرسن چه جوری و با چه پولی این مجله رنگارنگ را منتشر می‌کنم؟» گفت: «این سؤال من هم هست». گفتم: «مجله روی پای خودش ایستاده، ۲۲ هزار تیراژ داره».

آن‌وقت در کامپیوتر پرونده‌ام را نگاه کرد و گفت: «عجیبه! خیلی عجیبه! لک توی پرونده‌ات نیست». گفتم: «می‌دونم. من حتی سمپات کسی یا چیزی نبوده‌ام». گفت: «پریشب در قم منزل یکی از علما، آقای فاضل میبدی بودم. قسمتی از کتاب «سمفونی مردگان» شما را خوندم. می‌خواستم ازش بگیرم، دیدم براش امضا کردی. بهم نداد. دلم می‌خواد بخونمش». اتفاقاً نسخه‌ای از چاپ سوم رمان در کیفم بود. گذاشتم روی میز. دست به جیب برد که پولش را بپردازد. گفتم: «قابلی نداره». گفت: «نه این میز، میز خطرناکیه. میز قضا و قدر!» و خندید: «باید پولشو بپردازم، شما هم باید بگیری.» ۳۰۰ تومان را روی میز گذاشت و گفت:«تعجب می‌کنم! چرا این قدر درباره شما بد می‌نویسن؟ امکانش هست فوری کلیه گردون‌ها رو به من برسونید تا شخصاً مطالعه کنم و تصمیم بگیرم؟» گفتم: «با کمال میل. فردا براتون میارم». گفت: «نه! فردا دیره. همین حالا!» و تلفن روی میزش را طرف من گذاشت: «زنگ بزن بیارن فوری!» و بعد خواست که ناهار بمانم. تشکر کردم، یک دوره گردون از شماره ۱ تا ۲۰ را به دستش دادم و خداحافظی کردم. حدود یک هفته بعد، پرونده من از دادستانی انقلاب «عدم صلاحیت» خورد و به دادگستری ارجاع داده شد. در این دوره که خاتمی هم در آخرین روزهای وزارت ارشاد، هیئت‌منصفه را تشکیل داده بود، باعث شد گردون در دادگاه تبرئه شود. در تاریخ ۱۶۷ ساله مطبوعات ایران من نخستین مدیر مجله‌ای بودم که با حضور هیئت‌منصفه محاکمه و تبرئه شدم. کیهان در تیتر اولش نوشت: «تشکیل هیئت‌منصفه برای نجات یک مجله ضد انقلاب!»

رو در رو با «سید مازیار آل داوود» که ۲۰ سال پیش قید زندگی در تهران را زد تا گردشگری روستایی ایران را راه بیندازد

کارآفرین کویر

مردم/نبی‌دوست - سپاهی | شوریدگی ظاهر، هیبت و درشتی جثه، بمی طنین صدا و...؛ بسیاری از آنچه لازم است تا آدم یک شخصیت بخصوص به نظر برسد. «مازیار آل داوود» همه این‌ها را دارد. او را این سال‌ها «مرد کویر» می‌خوانند؛ آدمی که اگر دمخورش بشوی، گاهی او را بازمانده‌ای از قرن هفتم و هشتم هجری می‌یابی، پایبند به سنت‌های اصیل ایرانی، گاهی اما آدمی از سال‌های آینده، با نگاهی که انگار همه چیز در آینده برایش خوشایند است. مازیار ۲۰ سال پیش از این، رخت شهرنشینی‌اش را در روستای پدری‌اش پهن کرد تا بشود یک روستایی اصیل. شاید هم بیشتر؛ روستایی‌ای که کشاورزی می‌کند و چوپانی، شترداری و دامداری و خلاصه همه آنچه از او یک تولید کننده می‌سازد، البته به اضافه حقی که این سال‌ها بر گردن گردشگری روستایی کشور داشته تا حالا «پدر بومگردی ایران» لقب بگیرد. همه این‌ها بهانه‌های خوبی است؛ بهانه‌هایی برای اینکه گازش را بگیریم و خودمان را برسانیم به گرمه و بنشینیم روبه‌روی او، روی پشت بام خانه‌اش، رو به نخلستان و کوهستانی که حد نهایی روستای پدری اوست و بشنویم ماجرای این ۲۰ سال را.

◆ مازیار آل داوود متولد کی و کجاست؟
متولد ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۶ در تهران.

◆ در یک خانواده سنتی؟ یک خانواده با اصالت روستایی؟ یا چیزی شبیه این؟
نه سنتی، نه مدرن. پدرم اما اهل همین گرمه بود. متولد همین‌جا. کشاورززاده. بعدها ولی برای تحصیل رفته بود تهران و همانجا مانده بود و شده بود کارمند نیروی هوایی. خب ما هم همانجا به دنیا آمدیم و بزرگ شدیم.

◆ پس خانواده، یک خانواده معمولی بود، یک خانواده متوسط کارمندی.
همه فامیل همین طور بود. اصلاً گروهی از همین روستا همگی رفته بودند توی نظام. ژاندارمری بودند آن موقع، ارتش بودند و نیروی هوایی. برای همین هم ما خیلی جاها زندگی کرده بودیم، تبریز و اصفهان و شیراز و همدان. آخر اما برگشتیم تهران و من همانجا کار کردم.

◆ خودتان چطور بودید؟ چیزی از آنچه امروز از شما می‌شناسیم، ریشه در آن سال‌ها دارد؟
کششم بیشتر رو به سنت بود. شاید به خاطر همین هم خسته شدم از آن زندگی؛ آن زندگی شهری و ترافیکش و وقت‌کشی مدامش.

◆ این کشش از کجا می‌آمد؟
یادم هست نخستین بار که آمدیم گرمه، هفت سالم بود. خیلی هم به سختی رسیدیم. یک شبانه روز نایین معطل شدیم تا یک کامیون پیدا شود و همه فامیل سوارش شویم و بعد هم از پنج، ۶صبح تا ۱۰، ۱۱ شب توی راه باشیم. جاده‌ای نبود اصلاً اینجا آن موقع حتی برق هم نداشت. یادم هست تا پدرم گفت «اینجا گرمه است»، سرم را آوردم بیرون و دیدم هیچی پیدا نیست. تاریک تاریک. صبح که شد ولی، روستایی‌ها آمدند دیدنمان. چون خانواده ما را خوب می‌شناختند، آن هم به اعتبار پدربزرگ‌هایی که هر دو معلم قرآن بودند. وقتی هم که آمدم توی روستا، تازه فهمیدم چه بهشتی است. همه چیزش برایم جالب بود، از طبیعتش گرفته تا مردمش. خب آن سفر خیلی برای من شیرین بود و خیلی تأثیر خوبی داشت برایم. این بود که بعد از آن، گذرمان هر سال اینجا می‌افتاد. بعضی موقع‌ها محرم می‌آمدیم، بعضی موقع‌ها عید، بعضی موقع‌ها هم تابستان. تا اینکه خودم بزرگ‌تر شدم و توانستم تنها بیایم. همین طور گذشت تا درس را هم کنار گذاشتم.

◆ از کلاس چندم؟
سوم راهنمایی. یعنی سه سال، اول دبیرستان را رد شدم (می‌خندد). بعد هم ترک تحصیل کردم. یعنی اصلاً درسخوان نبودم که بخواهم ادامه بدهم. بیشتر اهل کار بودم. دلم می‌خواست کارهای بدنی و فنی بکنم. خب جثه‌ام هم تأثیر داشت در انتخاب این کارها. بعد هم که مثل همه جوان ترها از این شاخه به آن شاخه دنبال کار می‌گشتم. یک روز آرایشگری، یک روز آشپزی، یک روز یخچال سازی، یک روز مکانیکی تا سرانجام برسم به جایی که باید. خب این‌ها هم هیچ کدام راضی‌ام نمی‌کرد. البته یاد می‌گرفتم، ولی راضی نمی‌شدم. تا بیایم و خدمت را هم تمام کنم، تازه شده بود اواخر جنگ. خب مشکلات هم زیاد بود. به علاوه اینکه من هم هنوز نمی‌دانستم چه می‌خواهم. حالا به توصیه این و آن، یک کارهایی می‌کردم، ولی باز پسندم نبود. پنج سالی در آژانس املاک کار کردم. همین کار هم در اصل شروع آشنایی من با معماری، ساخت وساز، طراحی و دکور بود. هر روز هم ۶، هفت تا خانه جدید می‌دیدم. بعد هم شروع کردیم به بازسازی و مرمت خانه و آپارتمان و ویلا. علاقه خاصی هم به این کار داشتم. بعد هم یک روز رفتیم مرکز آموزش میراث فرهنگی. آنجا کلاس‌هایی داشتند که من از لابه‌لای آن‌ها سفالگری را انتخاب کردم. رفتم پای درس حاج آقا مهری که یکی از برجسته‌ترین استادان سفال ایران بود. تقریباً سه، چهار ماه سفالگری کار کردم و بعد هم با مجموعه سعدآباد آشنا شدم؛ یک مدرسه هنری که تعداد زیادی از اساتید تهران را در خود جای داده بود. من هم یک آتلیه گرفتم و شروع کردم به کار کردن. بعد هم کم‌کم آموزش سفال همان مرکز را به خودم دادند. پنج سالی هم آنجا ماندم، ولی خب کم کم حس می‌کردم که دلم می‌خواهد آنجا نباشم. دلم می‌خواست بیایم گرمه و کارگاه سفالم را اینجا برپا کنم. اینجا هم خیلی رفت وآمد داشتم. وقتی هم که می‌آمدم، می‌دیدم که مدام دارد بیشتر نابود می‌شود.

◆ پس انگیزه اول این بود که به روستای پدری‌تان کمک کنید.
بله. برای همین اول یک دسته از دوستان خودم را آوردم اینجا. با امکانات خیلی کمی توی خانه قدیمی مادربزرگم خوابیدند، ولی خیلی هم کیف کردند. همین هم انگیزه را در من قوی‌تر کرد که بتوانم فضایی درست کنم که بقیه مردم هم بتوانند بیایند. کلاً هم ۲۵۰ هزار تومان پول داشتم. ولی انگار حس عجیبی من را هُل می‌داد به این سمت. باید می‌آمدم. خلاصه بر خلاف توصیه‌های دوست و آشنا که می‌گفتند: «برو، تازه کار پیدا کردی و...» گفتم: «نه. می‌روم و دیگه هم برنمی‌گردم...».

◆ برایتان مسجل شده بود که ماندنی هستید؟ حتی صحبت‌ها هم دچار تردیدتان نکرد؟
اصلاً. از بچگی هم حالم همین بود، به دلم خیلی بها می‌دادم. تاوانش را هم زیاد پس داده بودم، ولی باز هم می‌خواستم کاری را که دلم می‌خواهد، بکنم.

◆ ولی خانواده و دوست و آشنا فکر می‌کردند اگر تهران بمانید، به معنای مصطلحش پیشرفت می‌کنید
بله. مثلاً می‌گفتند: «برو یک جای دولتی استخدام شو... نیروی هوایی‌ای، جایی، یک آب باریکه‌ای هست... بعد هم زنت می‌دیم...» (می‌خندد)

◆ به تعبیری مثل بقیه آدم‌ها همین راه معمولی را برو و زندگی‌ات را بکن.
بله. من ولی می‌دیدم که این کارها با مدل من همخوان نیست؛ یک کار دولتی که صبح ساعت ۶ بلند شوم و بروم تا ظهر...

◆ توی ذهنتان خطور می‌کرد که قرار است روزی به اینجایی برسید که الان هستید؟
توی ذهنم بود و با همین نیت آمدم اینجا، ولی چون می‌دانستم جایی ندارم که میهمان برایم بیاید، سفالگری را هم شروع کردم تا هم درآمدی داشته باشم و هم سرم گرم باشد. با خودم می‌گفتم هیچ کدام هم اگر نشد، می‌روم چوپانی. یادم هست اول هم که آمدم، مزرعه‌ای بود در ۴ کیلومتری روستا؛ مزرعه متروکه‌ای که سال‌ها بود رها افتاده بود. رفتم همان را اجاره کردم به سالی ۱۰۰ هزار تومان. تازه خیلی سرم را کلاه گذاشتند. من ولی آستین بالا زدم و برای نخستین بار زدم به کار مرمت روستایی. قدری کاهگل و سنگفرش کردم و خلاصه زندگی راه افتاد.

◆ قرار بود همانجا بمانید؟
تنها همانجا بودم؛ تنها بودنی که موجب شک و تردید روستایی‌ها شده بود. شایعاتی درآمده بود که «حتماً یک آدمی کشته...» یا «دزدی کرده...» یا «آمده که گنج‌های اینجا رو دربیاره...». از این حرف‌ها خیلی بود. شاید ۱۰۰ دفعه پاسگاه نصف شبی آمد بالای سرم.

◆ حتماً اگر با خانواده می‌آمدید، کسی شک نمی‌کرد. آن موقع ازدواج نکرده بودید؟
هنوز نه، ولی با خانمم آشنا شده بودم. شاگردم بود. به پدرش هم گفته بود، ولی پدرش شدیداً مخالفت کرده بود که «این‌ها درویش‌اند...» و «با یک لقمه نون زنده‌اند...». بنده خدا حق هم داشت. قیافه من را که دیده بود، شوکه شده بود. خب من هم مقاومتی نکردم. ایشان ولی گفت که «من مخالفم با این جریان...» من هم گفتم که «هر چی خدا بخواد...».

◆ پس تنهای تنها بودید.
بله. برای این هم که سر خودم را گرم کرده باشم، دو تا بز گرفتم. خب این کارها را هم بلد نبودم، ولی شروع کردم به بیرون بردن بزها. تلاش کردم یاد بگیرم که چه جوری غذا می‌خورند، مرضشان چیست، چطوری باید نگهداری بشوند. همانجا هم به چند تا از دوستان که آژانس داشتند، گفتم که من آمده‌ام گرمه و همچین جایی دارم. مثلاً اگر مسافر مسیر کویر دارید، بیایید اینجا. آن موقع ولی مسیر گردشگری توی شهرها بود و گذر مسافری به روستا نمی‌افتاد. ولی قدری که گذشت، یک گروه فرانسوی آمدند، در حالی که من اصلاً هیچ امکاناتی نداشتم. رختخواب‌ها و قاشق‌ها و بشقاب‌ها لنگه به لنگه بود، غذا را روی آتش می‌پختم، آب توی مشک بود. یخچال هم نداشتم حتی. این‌ها ولی خیلی هم لذت بردند. حتی وقتی هم می‌رفتند، توصیه کردند که همان فضا را حفظ کنم که هر چقدر می‌شود بومی‌تر و واقعی‌تر بماند. بعد هم از آنجا که خانمم کارمند مدرسه فرانسوی‌ها بود، همانجا هم تبلیغاتی کردیم. همین جوری هم چند تا گروه آمدند.

◆ برنامه‌ای هم برای توریست‌ها برگزار می‌کردید؟
پیاده روی می‌بردمشان. چون آن موقع خودم هم ماشین نداشتم. حتی کویر مصر را هم نمی‌دانستم کجا هست اصلاً و چی هست، ولی توی منطقه خودمان چشمه، کوه، نخلستان، آبگرم و دریاچه نمک می‌بردمشان.

◆ هیچ کسی هم نبود که از روی دستش ایده بگیرید. یعنی همه چیز ایده‌ها خودتان بود.
داخل کشور کسی نبود. آن موقع فقط خارجی‌ها از این کارها کرده بودند.
خب من هم چیزهایی خوانده بودم. این شد که تقریباً بعد از دو سال آمدم همان زمین را بخرم، ولی چون دیدند آباد شده، نفروختند. من مقداری روی داشته‌های خودم حساب کرده بودم و مقداری هم روی پس‌انداز خانمم. در ضمن بگویم که در همین فاصله رضایت دادند و عقد کردیم.

◆ توی بحث‌های پیش از عقد، صحبت این بود که شما قرار است بیایید روستای گرمه؟
خانمم از همان اول می‌دانست که من قرار است همین جا بمانم و دیگر برنگردم.

◆ مشکلی با این مسئله نداشت؟
شاید بدش نمی‌آمد بماند تهران. چون همانجا شغلی داشت. برای همین چند روز من می‌رفتم و چند روز ایشان می‌آمدند. تا اینکه وقتی داشتیم بچه‌دار می‌شدیم، ایشان کارش را در تهران رها کرد و آمد گرمه. قبل از آن ولی من که مرتب میهمان داشتم و موقعی که ایشان می‌آمد، جایی نداشتم. سرانجام اما وقتی درآمدم بیشتر شد، کم کم خانه خودم را ساختم.

◆ خانه بیرون روستا را تحویل دادید؟
بله. خانه خودم جای دیگر روستاست، ولی برای اقامتگاه آمدم همین خانه‌ای که الان هستیم. اینجا مخروبه هم بود و عملاً ارزشی نداشت. نه برقی داشت و نه آب و گازی. یادم هست با پولی که خانمم داشت، یک سال وقت گذاشتم و همین خانه را مرمت کردم. خیلی از کارهایش را هم خودم انجام دادم. البته اوستا و کارگر هم بودند، ولی بیشتر از آن‌ها خودم کار می‌کردم.

◆ اوضاع کسب و کار هم نسبت به روزهای اول رشد کرده بود؟
اتفاق خوبی که در این خانه افتاد این بود که ویزیتور «لونلی پلنت» با ایمیل‌هایی که از توریست‌ها گرفته بود، آمد سراغ ما. شاید ۱۶ سال پیش بود. من روزهای اول خبر نداشتم که کسی از «لونلی پلنت» آمده، ولی یکی از مسافرها به من خبر داد. حالا من اصلاً نمی‌دانستم که این مؤسسه چی هست و کارش چیست. در حالی که ایشان داشت برای کتاب «ایران» که شامل همه مسائل مربوط به گردشگری کشور است، درباره اقامتگاه ما مطلب آماده می‌کرد. بعد هم نیم صفحه‌ای در کتاب ایران به ما اختصاص دادند و بعد از آن بود که توریستمان خیلی بیشتر شد.

◆ شما طبعاً نیاز داشتید که ابعاد کارتان را وسیع‌تر کنید. دیگر نمی‌شد با یک پیاده‌روی ساده سر و ته قضیه را جمع و جور کرد.
بله. ولی در همین حین یک اتفاق دیگر هم افتاد. ماجرا این بود که آژانسی با من تماس گرفت و دنبال شتر می‌گشت. خب من هم رفتم روستاهای اطراف دنبال شتر، ولی شترداری کم کم در منطقه از بین رفته بود. ما ولی همان زمان کارگری داشتیم که گفت: «پدر من شاید شتر داشته باشد...» پرسیدم: «پدرت کجاست؟» گفت: «مصر». خب آن موقع کسی مصر را نمی‌شناخت. جاده‌اش هم خاکی بود. ولی خلاصه یک روز ماشین را برداشتیم و رفتیم مصر. این کارگرمان هم ما را برد پیش پدرش. قضیه را تعریف کردم. گفت: «من یک شتر دارم. یکی دیگه هم شاید پیدا کنم». مسیر تور کویر را هم خودمان گفته بودیم که مسیری بود که یک راهنمای سوئدی ۱۳۰، ۱۴۰ سال پیش رفته بود و کتابی درباره سفرش نوشته بود. توی همان کتاب هم تمام ایستگاه‌های مسیر نوشته شده بود. حتی چهره برخی محلی‌ها هم توی کتاب بود.

◆ شما می‌خواستید همان مسیر را بگذارید مسیر گردشگری‌تان.
بله. چون مسیر شناخته شده‌ای بود برای سوئدی‌ها، آلمانی‌ها و اتریشی‌ها. آن کتاب هم مثل یک سفرنامه بود که خیلی‌ها خوانده بودند. ما آمدیم روی همان مسیر کار کنیم. اسم تورش را هم گذاشتیم «رد پای سون هدین». چون این همان مسیری بود که اول «سون هدین» و ۳۰ سال بعد از او هم یک اتریشی آن را رفته بود. همان مرتبه اول ما ۲۰ تا خبرنگار از نشنال جئوگرافیک و ZDF را در همین مسیر بردیم. دو، سه تایی هم از آژانس‌های مسافرتی معروف آلمان بودند. همین برنامه هم موجب شد تا من نسبت به این مسیر و سفرنامه‌هایی که درباره آن هست، کنجکاوتر شوم. شروع کردم به تحقیق و متوجه شدم راهنمای جهانگردی اتریشی که دومین سفرنامه این مسیر را نوشته، از اقوام خودمان است و الان هم در سن ۹۳سالگی زنده است. البته اصلاً حال و روز خوشی نداشت. با این حال ما رفتیم سراغش. داستان‌هایی برایمان تعریف کرد. بعد من از او پرسیدم: «راهنمای جهانگردی اولی که آمده بود، کی بود؟» یک نگاهی کرد و گفت: «جدِ تو» اینجوری من فهمیدم که پدرِ پدربزرگم راهنمایِ آن جهانگرد بوده است. بعد هم که کتابش را پیدا کردم، دیدم نقاشی چهره‌اش هم توی کتاب هست. خب این خیلی دلم را قرص کرد.

◆ پس کویرگردی در مصر هم به فعالیت‌های شما اضافه شد.
بله. مصر هم شد جزو روستاهایی که من تور می‌بردم. بعد هم رفتم سراغ «علی ساربان» که قبلاً برای پیدا کردن شتر سراغش رفته بودم. علی ساربان خانه‌ای داشت در مصر و من خواستم که آن خانه روستایی را برای اقامت آماده کند. اول که البته فکر می‌کردند کسی حاضر نیست بیاید مصر. حتی به من پیشنهاد کردند همان خانه را ۵۰۰هزار تومان بخرم، ولی من می‌خواستم خود علی ساربان کار را دست بگیرد. خودم هم سعی کردم کمک کنم که آنجا را آماده کند. یادم هست رفت تراکتورش را هم فروخت و همان خانه را آماده کردند. همان خانه هم شد دومین اقامتگاه خور و بیابانک. بعد هم شترسواری‌اش را راه انداخت.

◆ همین شد شروع راه افتادن این منطقه گردشگری که شاید ۷۰، ۸۰ تا اقامتگاه دارد، خارجی‌های زیادی به خود دیده.
بله، ولی گذشت تا این شد. آن زمان من چند باری رفتم اداره میراث اصفهان. همان موقع هم از میراث آمدند و اینجا را دیدند. وقتی که آمدند، متوجه شدند ما هم در «لونلی پلنت» ثبتیم و هم کلی توریست خارجی داریم. برای همین هم متوجه جدیت کار شدند. البته آن موقع اصلاً بحث مجوز مطرح نبود. یعنی من و علی ساربان بدون اینکه بخواهیم از کسی مجوز بگیریم، نخستین و دومین اقامتگاه خور بودیم. بعد هم یکی از اهالی فرحزاد آمد که می‌خواست خانه پدری‌اش را به اقامتگاه تبدیل کند. جالب اینکه آن موقع توی آن روستا فقط یک خانواده زندگی می‌کرد، ولی الان توی همان روستا هفت، هشت تا اقامتگاه بومگردی هست. بعد هم من با دوستانی که در حوزه مرمت داشتم، گروهی را تشکیل دادیم و کمک کردیم به مرمت بناهای تاریخی. مثلاً آن موقع به سر پا شدن «خانه نقلی» کاشان کمک کردیم. بعد هم که ۱۵سال پیش کار کشید به راه‌انداختن «خوشه‌سار بومگردی». البته خیلی‌ها مخالفش بودند. مثلاً با پیگیری هتل دارها حتی حکم پلمب هم به ما دادند، ولی گذشت و گذشت تا رسیدیم به اینجا که الان خیلی‌ها در سرتا سر کشور از خانه روستایی و غذای محلی و صنایع دستی‌شان نان می‌خورند.

حاشیه گفت و گو

مازیار آل داوود از جزئیات زنده کردن یک روستای تاریخی می‌گوید

دوراهی شهر و روستا

◆ «مازیار آل داوود» آمد روستای گرمه تا آرامش بیشتری داشته باشد، ولی به نوعی گرفتار ماجراهای جدیدتری شده است. یعنی شاید توی خود تهران هم شما این‌قدر درگیر کار نبودید که اینجا باید برای مسافر و توریست و گردشگر کار کنید.
آن روزی که من توی مزرعه بیرون روستا زندگی می‌کردم، سر یک دو راهی ایستادم و باید انتخاب می‌کردم که یا چوپان و کشاورز باشم یا بیایم سراغ این کار. من آن موقع به چشمم امروز را می‌دیدم. برای خودم اما آنجا بهتر بود. چون آن‌قدر آرامش داشتم که دیگر احتیاجی به چیز دیگری نبود. تازه هم داشتم کارهایی را که دوست دارم، یاد می‌گرفتم. آن روز نشستم با خودم فکر کردم که این کار را انجام بدهم یا همان را. تازه اما سادگی زندگی من را جذب خودش کرده بود. با خودم می‌دیدم که چقدر آدم وقتی چیزی ندارد، راحت زندگی می‌کند. درِ خانه‌ام را باز می‌گذاشتم و می‌رفتم. چون اصلاً چیزی نبود که کسی بخواهد بدزدد. خودم هم می‌دانستم که اگر بخواهم بیایم این طرف، دیگر آن آرامش را نخواهم داشت. انگار ولی دست خودم نبود. انگار من را هُل می‌دادند. چون راه انداختن گردشگری اینجا، تنها راهی بود که روستا حفظ شود. هر جا هم که دلسرد می‌شدم، یک اتفاق دلگرم کننده رخ می‌داد که می‌فهمیدم نیرویی من را در این راه حمایت می‌کند. همین هم موجب شد که کوتاه نیایم. یعنی این سختی را به جان خریدم و آن آرامشی را که در تنهایی خودم داشتم، رها کردم.

◆ شما دو بار در این مسیر محل زندگی‌تان را رها کردید. یک بار خانه‌تان را در تهران و یک بار هم یک خانه کوچک را در بیرون روستا. کدام سخت‌تر بود؟
رها کردن دومی سخت‌تر بود. چون آن چیزی بود که من از زندگی می‌خواستم.

در این مسیر در هر دو مرتبه، شما زندگی‌تان را رها کردید، فقط برای اینکه روستا را احیا کنید و کاری کنید که جوان‌ها برگردند؟
این برای خودم انگیزه بود، ولی سختی‌اش این بود که من بتوانم انگیزه‌ای را در همین محیط ایجاد کنم. اینجا خیلی بی‌انگیزه بودند. همه هم دنبال شهر رفتن بودند. خب بارها شنیده‌ایم که می‌گویند به جای اینکه ماهی بدهیم، تور ماهیگیری بدهیم. به نظر من ولی اگر انگیزه ماهیگیری به کسی بدهی، با دست خالی هم ابزاری می‌سازد و ماهی می‌گیرد. من هم سختی کارم این بود که باید این انگیزه را ایجاد می‌کردم. دیدم راهش هم حرف زدن نیست. وعده زیاد داده‌اند به این مردم. برای همین خودم آمدم وسط میدان. مردم هم دیدند که مازیار از تهران آمده و بز می‌چراند، کاهگل لگد می‌کند، بیل می‌زند و از این کارها. حتی خیلی‌ها هم می‌گفتند که تو دیوانه‌ای که شهر را رها کرده‌ای تا توی روستا کار کنی. برای مردم هم معما بود، ولی همین عمل اثر خودش را گذاشت و همه اثرش را دیدند.

◆ روستا چه تغییری کرد؟
الان همین روستا کلی اقامتگاه دارد. خیلی‌ها توی کشور، گرمه را می‌شناسند. خیلی‌ها هم حتی به نام اقامتگاه آتیشونی کاسبی می‌کنند. الان در همین خور ۷۰، ۸۰ تا اقامتگاه هست. حتی اگر کسی سودی از این بازار نبرده باشد، دست‌کم خانه‌اش چند برابر گران شده است. همین جا پنجشنبه، جمعه‌ها خود اهالی روستا بساط می‌کنند و صنایع دستی و سبزی خشک و شیره خرما و رب انار می‌فروشند. یعنی راحت هفته‌ای ۱۰، ۱۵ میلیون تومان پول توی روستای ما اینجوری جابه‌جا می‌شود. یا همین جا پیرزن‌ها زنبیل و سبد می‌بافند. ماده اولیه مجانی، زمستان توی آفتاب، تابستان توی سایه (می‌خندد). روزی سه، چهار ساعت دور هم حرف می‌زنند و می‌بافند. بعد هم همین جا کارشان را می‌فروشند. سرانجام هر کسی هم که مسافرت می‌آید، بخشی از پولش را برای سوغات کنار می‌گذارد. محصولی هم که از روستا خریداری می‌شود، اگر خوراکی باشد، شما مطمئن هستید که طبیعی است و مواد نگهدارنده ندارد. پس مسافرها برای همین محصولات روستایی پول می‌دهند و هر دو طرف هم راضی هستند.

اینجا پشت‌بام اقامتگاه «آتیشونی» است؛ جایی در قلب بافت تاریخی روستای گرمه، کنار قلعه ساسانی. تمام گفت‌وگو را روی این پشت‌بام بودیم، رو به نخلستان و کوهستانی که حد نهایت روستاست و با اختلاف می‌شود آن را «بهترین لوکیشن گفت‌وگوی صفحه مردم» تا امروز لقب داد. مازیار آل‌داوود یک روز از صبح تا ظهرش را از روی حوصله روی این پشت‌بام برای ما از قصه‌های این سال‌هایش گفت؛ قصه‌هایی که ما را حسابی سر ذوق آورد و صدالبته یک دهمش هم توی صفحه جا نشد.

آیت‌الله تحریری در نشست «روش تحلیل سیاسی دینی»:

هدف سیاست دینی تکامل همه‌جانبه جامعه است

اندیشه | چندی پیش نخستین نشست از سلسله جلسات گفت‌وگومحور «روش تحلیل سیاسی دینی» با حضور آیت‌الله محمدباقر تحریری، تولیت حوزه علمیه مروی تهران برگزار و بخش نخست آن، روز دوشنبه ۲۹ بهمن در همین صفحه منتشر شد و بخش دوم صحبت‌های وی به نقل از پایگاه تخصصی فقه حکومتی «وسائل» در ادامه از نظرتان خواهد گذشت. آیت‌الله تحریری در این نشست ضمن بیان مفهوم سیاست دینی و غیردینی و مبنای نظام سیاسی در اسلام، «تحلیل سیاسی دینی»را این چنین تعریف کرد: «تحلیل به معنای باز کردن یک شیء، در مقابل ترکیب قرار دارد که به معنای جمع کردن دو ماده با هم است. اگر دین را باز کنیم و نحوه مدیریت آن را با دیدگاهی که گفته شد، تبیین کنیم، می‌شود «تحلیل سیاسی دینی». سیاست بر دو نوع کلان و جزء است؛ در نظام دینی سیاست‌های جزئی بر سیاست کلان دینی تکیه می‌کند. ما مدیریت عالم را نخست و استقلالاً برای خداوند متعال قائلیم. خداوند مدبرانی را قرار داده است؛ «والمدبرات امرا». همچنین در نظام انسانی نیز هادیان و مدیرانی قرار داده است که انبیای الهی هستند و شئون گوناگون زندگی انسان را که نیاز به رهبری خاص دارد، مدیریت می‌کنند. رهبر دو شأن «ارائه طریق» و «اجرا کردن» دارد؛ بنابراین معنای «تحلیل سیاسی دینی» این است که سیاست و نحوه مدیریت دینی را باز کنیم تا ببینیم بر چه اصولی تکیه می‌کند.»

سیاست؛ مدیریت جامعه انسانی در روابط اجتماعی

زندگی انسان عمدتاً در روابط مختلف اجتماعی شکل می‌گیرد؛ پیامبر باید این جامعه را نیز مدیریت کند. به «مدیریت جامعه برای پیاده کردن دستورات شرع مقدس در حیطه آن» سیاست می‌گویند؛ به عبارت دیگر، سیاست یعنی مدیریت جامعه انسانی در روابط گوناگون اجتماعی؛ اما این مدیریت تنها منحصر به پیاده کردن امور عبادی نیست که با ساخت مسجد و شکل گرفتن نماز جمعه، کار تمام شود؛ خیر، این جامعه نیازمند نظام اقتصادی است.

انسان نیازمندی‌های مادی دارد و برای برآورده شدن این نیازهای مادی، بر نظام طبیعی تکیه می‌کند و بهره‌مندی از این امور نیاز به نظام‌مند شدن دارد. یکی دیگر از این نیازمندی‌ها، تبادل دستاوردها است؛ چراکه افراد مختلف، دستاوردهای مختلف دارند و لازم است از دستاوردهای هم بهره ببرند؛ بنابراین انسان در نظام تبادل و تجارت وارد می‌شود. این امور نیز باید نظام و قوانین داشته باشد. گاهی در جهت تأمین نیازمندی‌های مادی، مسائل فقهی (اجاره، مزارعه، مساقات و...) شکل می‌گیرد؛ تأمین نیازهای مادی بر اساس این مسائل هم نیازمند مدیریت خواهد بود. از طرف دیگر، انسان‌ها حالت تجاوز دارند؛ بنابراین قوانینی لازم است تا از این تجاوزها جلوگیری شود؛ در اینجا نظام قضایی مطرح می‌شود. ممکن است این تجاوز، به ابعاد سیاسی توسعه پیدا کند؛ فرد می‌خواهد از حق خود تجاوز و جایگاهی را که برای او نیست تصرف کند؛ در این مواقع امام‌المسلمین در مقابل او می‌ایستد.

نظام سیاسی اسلام مبتنی بر حکمت و عدالت خداوند است

بر این اساس، حاکم جامعه باید از جانب خداوند انتخاب شود و راه و راهنما نیز از جانب خداوند باشد. نظام سیاسی اسلام بر اساس این حاکم الهی شکل می‌گیرد و این قوانین بر اساس حکمت و عدالت است و نباید از آن غافل شد. انسان‌ها مخلوق و عیال خداوند هستند و حق‌تعالی مخلوقات را در عالم آورده تا اداره شوند و به نیازهایشان برسند. اساس این مدیریت، عدالت است تا زندگی مادی افراد به اندازه خود بچرخد؛ عدالت، «اعطای کل ذی حق، حقه» است. عالَم از حکمت و عدالت حق ظهور یافته است؛ بنابراین قوانین با این دیدگاه تحلیل می‌شود و باید برداشت صحیحی از تمام قوانین که انسان‌ها را به نیازمندی‌های مادی و معنوی می‌رساند، وجود داشته باشد. خداوند ما را برای یکسری اهداف کلی و جزئی آفریده است. هدف کلی، بندگی در برابر خداست، با وظایف مختص به آن، و چون خداوند فرموده است اطاعت می‌کنیم. خضوع در برابر این قانون، خضوع در برابر مقلَّد و واسطه است؛ «اطیعوالله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم». کسی که پس از معصوم، حکومت تشکیل می‌دهد، باید از دین و کلام معصوم(ع) این را بفهمد که حق تشکیل حکومت را دارد. «فقیه» توانایی این امر را دارد. امام راحل چون به اینجا رسید حق تشکیل حکومت را دارد؛ اما کسی که به اینجا نرسیده است و بیشتر از این را فهم نمی‌کند، به لوازم آن نیز ملتزم نمی‌شود؛ نظام طولی به این معنا است. ثمره نظام طولی این است که مخالفت با یک دستور فقیه و مرجع تقلید، در واقع مخالفت با دستور خداوند متعال و امام زمان(عج) است؛ بر خلاف نظام‌های دیگر که این مسئله مطرح نمی‌شود و فقط در اداره جامعه به شما می‌گویند مخالفت نداشته باشید؛ اما سیاست دینی در نظام دینی این‌گونه است.

در نظام دینی، مسائل جزایی و اقتصادی و... باید زیر نظر حاکم باشد؛ زیرا خداوند متعال اختیارات لازم را به وی داده است. وقتی حکومت برپا نباشد، بحث دیگری است، اما اصل این است که نظامات باید تحت سرپرستی خداوند باشد. اقدام علیه حکومت طاغوت، کار خوبی است، اما باید دید آیا تحت امر ولی معصوم و مولی است یا خیر؛ اگر این اقدام تحت نظامی که خداوند قرار داده است، نباشد، گاهی خود عمل خوب است و فرد توسط ولی معصوم نیز تجلیل می‌شود و او را نیز شهید می‌داند، اما او در نظام ولی معصوم جا نمی‌گیرد؛ حرکت زید بن علی(ع) از جمله این امور است. معقول این است که یکی مدیریت کند و دیگری بپذیرد؛ بحث این است که چه کسی مدیریت کند و چه کسی بپذیرد؟ این نحوه مدیریت همان سیاست است.

سیاست غیردینی نگاهی مادی و حیوانی به جامعه دارد

سیاست دینی بر اساس بینش‌های توحیدی است که در تمام شئون زندگی وجود دارد. ما خداوند متعال را حاکم و ولی مطلق می‌دانیم و این حاکم مطلق، حاکمانی را برای ما قرار داده است. در مقابل، سیاست غیردینی عملاً کاری به دین ندارد و برای آن، تدین یا عدم تدین در کارهای شخصی تفاوتی نمی‌کند؛ مخصوصاً اگر آن شاکله، دموکراسی باشد؛ اما سیاست دینی به جنبه‌های فردی زندگی اشخاص نیز کار دارد و در این جهت به افراد تعلیم می‌دهد که اگر شخصی حرف و سخنی دارد، بیان کند و موضع خود را نشان دهد. پیامبران در جایگاه دینی، میان مردم می‌رفتند، با آن‌ها حرف می‌زدند و محاجه و گفت‌وگو می‌کردند و جامعه را رها نمی‌کردند. در بُعد تربیت نیز این گونه است؛ اگر این دین را نپذیرفتید مشکلی ندارد؛ «لا اکراه فی الدین»؛ اما از این جهت که در این جامعه حضور دارید، باید به این قوانین ملتزم باشید. این یک روش عقلایی است که انسان در هر جامعه‌ای که باشد، باید به قوانین عمومی آن جامعه نیز ملتزم باشد؛ بنابراین دین طریقه حرکت صحیح و لازم را به افراد می‌آموزد و تنها در روند کلی، او را رها نمی‌کند. در یک نگاه کلان می‌توان گفت که در سیاست دینی، هدف حاکم جامعه، تکامل همه‌جانبه مادی و معنوی جامعه است، اما در سیاست غیردینی تکامل جامعه به معنای تکامل معنوی و حقیقی نیست؛ تنها هدف سیاستِ غیردینی، رساندن جامعه به یک تکامل مادی و حیوانی است؛ اگر مسائل انسانی هم، در جامعه و سیاست غیردینی مورد توجه قرار می‌گیرد، ابزاری برای همین هدف است. بر خلاف نظام دینی که به انسان از جهت خلیفه الهی بودن توجه می‌شود و انسان می‌تواند در هر جایی عبودیت داشته باشد؛ در سیاست دینی، تفاوت ظاهری مردم در بُعد اساسی دین که کمال معنوی باشد، تأثیری نخواهد داشت و همه یکسان هستند.

نباید حرف یک دانشمند به بهانه نداشتن دیدگاه دینی رد شود

اساساً خاستگاه دین توجه به عالم غیب است؛ همچنین توجه متفکرانه به موجودات و قوانین نظام‌مند این عالم که از آن‌ها به آیات تعبیر می‌شود. خداوند متعال بشر را به گونه‌ای آفریده است که می‌تواند با به کار بستن حس مکرر که تجربه باشد و ایجاد وسایل تجربی، به این قوانین راه پیدا کند؛ بنابراین خاستگاه اولیه دین بیان قوانین ظاهری حاکم بر این عالم نیست.

پرسیده می‌شود علوم تجربی دینی چیست؛ آیا علوم تجربی باید از دین گرفته شود؟ و آیا جایگاه دین این است؟ می‌گوییم خیر؛ بلکه دین گاهی برای اهداف والای خود از قوانین حاکمی که خداوند متعال در روابط ظاهری ایجاد کرده است، استفاده می‌کند. شاید این تقسیم علوم تجربی به دینی و غیردینی درست نباشد. گاهی اولیای ما مطالب عقلی را از دیگران نقل می‌کنند و به‌عنوان مطلب مورد قبول ارائه می‌دهند؛ «أُنظر إلی ما قال و لا تنظر إلی من قال»؛ «ما قال» بسیار وسیع است. ممکن است یک مسئله اخلاقی توسط دانشمندی دیگر گفته شود؛ نباید حرف این دانشمند به این بهانه که دیدگاه دینی ندارد، رد شود و بگوییم ضد اخلاق است. بله؛ ما در دین بالاتر از آن را نیز داریم، اما اینکه از آن طرف بیفتیم و بگوییم چون آن دانشمند دینی نیست پس نباید بپذیریم؛ این، محدود نگاه کردن به دین و به تعبیر دیگر نوعی دگماتیسم است. حضرت امام صادق(ع) در توحید مفضل، بحث‌هایی درباره فعل و انفعالات بدن انسان بیان فرموده‌اند؛ اما اینکه بگوییم علوم تجربی منحصر به این است و هر مسئله‌ای که از غرب بیاید، حرام است، دیدگاه وهابیت و همان دگم‌نگری در دین است. این‌ها اموری است که انسان در زندگی خود نیازمند آن است. دین فرموده است که این امور از راه حرام و برای حرام نباشد.

خبر

در نخستین همایش ملی «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی» مطرح شد

انتقاد از عدم رعایت مالکیت فکری و روش علمی

اندیشه: آیت‌الله اراکی گفت: مراکز علمی باید موضوعاتی را انتخاب کنند که به درد جامعه بخورد و پرسش‌ها باید به‌روزرسانی شود. نخستین همایش ملی «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی» به همت دانشگاه مذاهب اسلامی، صبح دیروز در سالن همایش‌های کتابخانه ملی برگزار شد. در این مراسم، آیت‌الله محسن اراکی با بیان اینکه یکی از آسیب‌های پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها آن است که شیوه‌های علمی را در تدوین آن به کار نمی‌برند، پیشنهاد کرد: معیارهای شیوه علمی را بویژه در علوم انسانی اسلامی داشته باشیم؛ علوم انسانی اسلامی رشته نو و جدیدی است؛ از این جهت که در دانشگاه‌های دنیا هنوز تعریف درستی از آن ارائه نشده است. وی با اشاره به روش استنباط علوم انسانی اسلامی افزود: اصول فقه ما یکی از برجسته‌ترین علوم انسانی اسلامی و اساس علوم اسلامی است؛ کسی که می‌خواهد وارد علوم انسانی اسلامی شود، به دلالت نیاز دارد؛ تا نتوانیم به علم دلالت دست یافته و آن را عرضه کنیم، نمی‌توانیم ادعا کنیم که علمی ارائه کرده‌ایم. آیت‌الله اراکی اظهار کرد: گاهی مباحثی ارائه می‌شود که هیچ سندی ندارد؛ مراکز علمی باید موضوعاتی را انتخاب کنند که به درد جامعه بخورد و پرسش‌ها به‌روزرسانی شود؛ و باید هماهنگی بین نهادهای علمی که در این عرصه‌ها وارد می‌شوند، باشد. به عقیده وی، باید در شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای علمی تشکیل شود، تا مسائل علوم انسانی به خوبی تعریف و تبیین شود و در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

حدود ۱۰ درصد از رساله‌ها ارزش علمی دارد

در این همایش همچنین آیت‌الله علی‌اکبر رشاد در سخنانی با اشاره به اهمیت ارائه مطالب نو ذیل پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها گفت: با تأسف به نظرم می‌رسد که شاید حدود ۱۰ درصد از رساله‌ها ارزش علمی داشته باشند؛ غالباً به جهت آنکه دانشجو زحمت نمی‌کشد و با موضوع آشنا نیست؛ و مهم‌تر از آن استادان وقت نمی‌گذارند، نمی‌توان این فعالیت‌ها را به عنوان آثار ارزشمند علمی به شمار آورد. رئیس هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره، از دیگر آفات رساله‌ها را عدم رعایت مالکیت فکری دانست و افزود: برخی تردید دارند که آیا این مالکیت فکری حق است یا خیر؛ در این زمینه بین عقلا نظرات مختلفی وجود دارد؛ از جمله اینکه هرچه از ماهیت عقلایی برخوردار است، مالکیت‌بردار است؛ بنابراین دستاوردهای ذهن آدمی نیز مالکیت‌بردار است؛ با این وجود به مسئله مالکیت فکری چندان توجهی نشده و آنچه که ارائه می‌شود، بیشتر تکرار و یک دور باطل فکری است و هیچ نوآوری چشمگیر و دندان‌گیری در رساله‌ها مشاهده نمی‌شود؛ ما نگرانیم که مبادا این تجربه‌های تلخ در قلمرو رساله‌ها در حوزه نیز تکرار شود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۹۳۲۲-۸-۱۳۹۷/۱۱/۸ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلام عثمان شیخی یکه توتی فرزند سلیمان بشماره شناسنامه ۴۷ صادره از تایباد در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۸۰۶۳ متر مربع پلاک ۱۱۶ فرعی از ۲۵۱ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل قسمتی از مالکیت محمد اسدی و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۱۷۱۰۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
غلامرضا آقازاده / رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۲۹۴-۱۳۹۷/۱۱/۰۶ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی محمدی فرزند کلوخ بشماره شناسنامه ۱۸ و شماره ملی ۰۸۸۹۸۰۰۵۵۳ نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۰/۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶- اصلی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت آقای زینل دستگردی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۷۱۰۶

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
علی فضلی / رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۲۹۹ -۶-۱۳۹۷/۱۱/ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رمضان احمدی فرزند کلوخ رضا بشماره شناسنامه ۳۰۵ و شماره ملی ۰۸۸۸۸۶۱۰۱۱ نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۸/۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶- اصلی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت آقای زینل دستگردی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۷۱۰۸

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
علی فضلی / رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۴۶۸-۱۳۹۷/۱۱/۱۶ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حبیب الله صحافی درمیان فرزند ذبیح الله بشماره شناسنامه ۵۷ و شماره ملی ۵۲۳۹۵۸۰۴۴۸ نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۶/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶- اصلی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت آقای نوروز دستگردی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۷۱۰۹

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
علی فضلی / رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۴۶۹-۱۳۹۷/۱۱/۱۶ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حبیب الله صحافی درمیان فرزند ذبیح الله بشماره شناسنامه ۵۷ و شماره ملی ۵۲۳۹۵۸۰۴۴۸ نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۶/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶- اصلی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت آقای نوروز دستگردی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۷۱۰۹

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
علی فضلی / رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۴۶۷-۱۳۹۷/۱۱/۱۶ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حاجی حسن خسروی القار فرزند محمد حسین بشماره شناسنامه ۳ و شماره ملی ۰۶۵۲۷۴۵۸۲۲ نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۱/۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶- اصلی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت آقای زینل دستگردی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۷۱۱۳

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
علی فضلی / رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۴۶۶-۱۳۹۷/۱۱/۱۶ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد آرامجو فرزند محمد حسن بشماره شناسنامه ۱ و شماره ملی ۰۶۵۲۲۲۷۴۱۴ نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۹۵/۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶- اصلی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت آقای رجبعلی مددی پور محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۷۱۱۲

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
علی فضلی / رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۴۶۵-۱۳۹۷/۱۱/۱۶ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامرضا علیدوست فرزند غلامحسین بشماره شناسنامه ۴ و شماره ملی ۰۶۵۳۰۸۴۰۷۲ نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۲/۱۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶- اصلی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت آقای زینل دستگردی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۷۱۱۳

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
علی فضلی / رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

آگهی مزایده مورد وثیقه

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۹۶/۸۲ له بانک ملی مرکزی اسدآباد و علیه سجاد و علیرضا فروتنان ششدانگ پلاک ثبتی ۱۵۹۱/۱۱۷ اصلی مورد وثیقه سند رهنی شماره ۱۴۵۹۲ تنظیمی دفترخانه ۲ اسدآباد به انضمام کلیه مستحدثات و منضمات و متعلقات شرعیه و عرفیه ملکی آقایان سجاد فروتنان به مقدار ۵۸/۷ شعیر و علیرضا فروتنان به مقدار ۳۷/۹ شعیر به مساحت عرصه ۲۳۸/۵۰ متر مربع واقع در چهار باغ جهاد شرقی خیابان مرصاد کوی مرصاد زیر زمین به مساحت ۹۳ متر مربع و همکف ۱۵۲ متر مربع که برابر نظریه کارشناسان رسمی دادگستری به مبلغ ۱/۸۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ مورخه ۱۳۹۷/۱۲/۲۳ و در محل اجرای ثبت اسدآباد مزایده از مبلغ ارزیابی آغاز و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته خواهد شد و چنان چه روز مزایده مصادف با تعطیلات رسمی غیر مترقبه گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیل در همان محل و ساعت انجام می شود و حقوق دولتی و حق مزایده طبق مقررات وصل خواهد شد.(م الف ۷۴۳) آ-۹۷۱۷۹۳۳ تاریخ انتشار ۱۳۹۷/۱۲/۸ / تاریخ مزایده ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

دادنامه

به تاریخ:۹۷/۱۱/۸ شماره پرونده : ۶۴۰/۹۵ ش ۱۱۲ ح شماره دادنامه : ۱۰۵۷/۹۷
مرجع رسیدگی کننده : حوزه ۱۱۲ شورای حل اختلاف لاجین
خواهان: مهدی یعقوبی فرزند عبداله به آدرس - لاجین، خیابان امام، پشت مخابرات، کوچه شهید خارایی
خوانده: محمد رخشانی فرزند عین الدین - مجهول المکان
خواسته : مطالبه وجه
گردشکار : خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شورا و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر جلسه شورا تشکیل شده و قاضی شورا با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید .
رأی شورا: در خصوص دادخواست آقای مهدی یعقوبی فرزند عبداله بطرفیت آقای محمد رخشانی فرزند عین الدین، به خواسته مطالبه وجه ۲ فقره چک به شماره های ۰۴۶۳/۸۲۸۷۳۱ مورخ ۹۵/۱/۲۵به مبلغ ۱۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۰۴۶۳/۸۲۸۷۳۲ مورخ ۹۶/۴/۳۰ به مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال عهده بانک صادرات و خسارت تاخیر تادیه تا زمان اجرای حکم به انضمام هزینه دادرسی شورا با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی وملاحظه تصویر مصدق چک های مستند دعوا وگواهی های عدم پرداخت صادره از جانب بانک محال علیه و نظر به اینکه وجود سند تجاری(چک)در ید خواهان حکایت از اشتغال ذمه خوانده در برابر وی می باشد و اشتغال ذمه یقینی مستلزم برائت ذمه یقینی است و خوانده دعوی با وصف ابلاغ وقت دادرسی به نحو قانونی (الصاق) در شورا حاضر نگردیده است و در قبال دعوی مطروحه از خود دفاعی به عمل نیاورده است لذا دعوی خواهان را ثابت تشخیص و مستندا به مواد ۱۹۸، ۵۱۹ از قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۳۱۰و۳۱۳ از قانون تجارت و ماده ۲ قانون اصلاحی صدور چک وماده واحده قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ، حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۴۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته ومبلغ ۱/۹۶۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک ها تا

کلوپ: خانه قبلی «راجرز» را پس نمی دهم!

سرمربی آلمانی مرسی سایدی ها، در مورد احتمال حضور برندان راجرز روی نیمکت لسترسیتی شوخی های جالبی کرد. یورگن کلوپ می گوید: تا زمانی که برندان راجرز سرمربی اوِرتون نشود شرایط برای من مساعد است زیرا اگر در روزی هدایت اورتون را بر عهده گیرد، پس از آن نیز می خواهد به خانه سابق خود بازگردد اما لسترسیتی به اندازه ای به ما نزدیک نیست که با یخواهد دوباره سرمربی لیورپول شود. اما برای ی آرزوی موفقیت می کنم زیرا راجرز انسانی شریف است.

مارسلو در آستانه پیوستن به یوونتوس

به نظر می رسد مارسلو، مدافع برزیلی رئال مادرید، فاصله چندانی با انتقال به یوونتوس ندارد. شرایط در هفته های اخیر برای مارسلو در برنابئو مساعد نبوده و نمایش های ضعیف این بازیکن باعث شده در بسیاری از بازی ها توماس زیدان و جای وی در ترکیب ثابت قرار بگیرد و این شرایط باب میل یکی از موثرترین بازیکنان این تیم در سال های اخیر نبوده است. توانو اسپورت در چاپ دیروز خود مدعی شد مارسلو تمایل خود به جدایی از رئال را به اطلاع مدیریت این باشگاه رسانده و استانه توافق نهایی با یووه و انتقال به تورین در تابستان پیش رو قرار دارد.

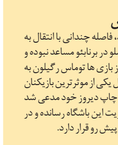

خامس: هیچ مشکلی با زیدان نداشتم!

ستاره کلمبیایی بایرن مونیخ، تاکید کرد هیچ مشکلی با زین الدین زیدان در زمان حضور این دو در رئال نداشته و هم اکنون نیز ندارد. با وجود شروعی خوب در رئال مادرید، نیمکت نشینی های متوالی از زمان ورود زیدان در نهایت باعث جدایی خامس و انتقال قرضی او به بایرن مونیخ شد اما حالا خامس همه مشکلات را تکذیب می کند. خامس رودریگز می گوید: هیچ مشکلی بین من و زین الدین زیدان وجود نداشت و از نظر من او یک انسان خوب بود. اما مهمترین مربیان دوران ورزشی من جولیو سزار فالکونی، کارلو آنچلوتی و خوزه یکرمن بودند.

گرت بیل از مجازات گریخت

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال اسپانیا تصمیم گرفته که بال ولری تیم فوتبال رئال مادرید را مجازات نکند. کمیته داوری فدراسیون فوتبال اسپانیا، حرکت ناشایست گرت بیل، بال ولری تیم فوتبال رئال مادرید در جریان مصاف اخیر این تیم مقابل اتلتیکومادرید را مستوجب مجازات ندانست و برای او جریمه ای در نظر نگرفته است. بیل در دربی مادرید در واکنش به شعار برخی از هواداران اتلتیکومادرید، پس از زدن گل سوم تیمش در ورزشگاه وانداِ متروپولیتانو، رویه سکوها حرکتی انجام داد که به زعم بسیاری یک نوع اهانت تلقی می شود.

ضدحمله

برانکو: مأمور مذاکره هشت میلیون دلاری با دالیچ بودم!

ورزش: سرمربی پرسپولیس در واکنش به اینکه حضور در امارات را مربوط به مذاکره با دالیچ عنوان کرده اند گفت: گفتند آقای تاج به من ماموریت دادند که من ۶ ماه اینجا باشم. از دیروز و از من پرسیدند شما از طرف آقای تاج ماموریت داشتید که من گفتم بله، ایشان به من ماموریت دادو من پیشنهاد ۸ میلیون دلار سالانه به دالیچ را دادم. چرا می خندید؟ خودتان هم نوشتید! وی ادامه داد: این هایی که می نویسند فکر نکنید که اتفاقی است آنها می خواهند در تیم ما تنش و جالش ایجاد کنند. اما مهم نیست. ما هواداران خودمان را داریم که به ما اعتماد دارند و این کارها را تقویت می کند تا انگیزه بیشتری برای مبارزه داشته باشیم.

مبعلی: دیگر فوتبال بازی نمی کنم!

ورزش: آیمان مبعلی که بعد از حضور افشین قطبی در راس کادر فنی فولاد خوزستان به این تیم بازگشت و به عنوان مربی کارش را در باشگاهی که با آن به فوتبال ایران معرفی شد، او پیرامون حضورش در عرصه مربیگری گفت: وارد عرصه مربیگری شده و دیگر بازی برای من تمام شده است. تمام تمرکزم را گذاشته ام برای مربیگری.

بلیت ۵ هزار تومانی برای بازی پرسپولیس - پاختاکور

ورزش: با اعلام باشگاه پرسپولیس بهای بلیت طبقه دوم ورزشگاه آزادی برای بازی با پاختاکور ازبکستان به پنج هزار تومان تقلیل یافت. با دستور و پیگیری های ایرج عرب، بلیت طبقه دوم ورزشگاه آزادی را در دیدار با پاختاکور از ۱۵ هزار تومان به پنج هزار تومان کاهش می یابد.

آذری برکنار شد

ورزش: سعید آذری، مدیرعامل باشگاه ذوب آهن از عضویت در هیئت مدیره این باشگاه برکنار شد. آذری همچنان مدیرعامل این باشگاه اصفهانی است.

احتمال لغو بازی نمایندگان آسیایی ایران در لیگ برتر

ورزش: در حالی که قرار است نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا در تاریخ ۱۶ و ۱۷ اسفند ماه در لیگ برتر به میدان بروند اما به دلیل فشردگی بازی های آنها و احتمال فشار به بازیکنان این سه تیم، سازمان لیگ از فدراسیون فوتبال درخواست کرده تا در صورت امکان بازی این سه تیم در لیگ برتر در تاریخ ۱۶ و ۱۷ اسفند برگزار نشود و به جای آن بازی این سه تیم در تاریخ ۵ فروردین سال ۹۸ برگزار شود.

بازیکن ۱۰ دقیقه ای استقلال!

ورزش: در ترافیک شدیدی که در اغلب پست های استقلال وجود دارد، پست دفاع چپ شرایطی کاملا خاص دارد. شفر ابتدای فصل در اقدامی عجیب و در حالی که دو بازیکن تخصصی در پست دفاع چپ مثل میلاد زکی پور و آرمین سهرابیان داشت، اقدام به جذب میثم تیموری که مصدوم بود کرد میثم تیموری در تیم فصل اول تنها در دیاری مقابل ماشین سازی و صنعت نفت به میدان رفت و دقایق حضور او در میدان هم از ۱۰ دقیقه تجاوز نکرد. استقلالی ها برای نیم فصل دوم امید نورافکن را هم به جمع نفرات خود اضافه کردند تا ترافیک موجود در این پست شدیدتر شود و ابهامات در خصوص خرید ایندای فصل آنها افزایش یابد.

محرومان هفته بیستم لیگ برتر فوتبال

سازمان لیگ فوتبال ایران اسامی محرومان هفته بیستم مسابقات لیگ برتر را اعلام کرد.

روزبه چشمی -استقلال تهران
محمد حسین مرامنده - پدیده مشهد
محمد قاضی نجف آبادی - پیکان تهران
سید اشکان دژاگه - تراکتورسازی تبریز
سعید افایی - سپاهان اصفهان
سید محسن سیدی - سپیدرود رشت
شهاب الدین گردان - صنعت نفت آبادان
فرنقدو به خوسس - ماشین سازی تبریز
محمد ابشک - سایپا مازندران
پیام احمدی، حکیم نصاری - نفت مسجدسلیمان

ترابی و قوچان نژاد در بین خریدهای تأثیرگذار لیگ قهرمانان آسیا

ورزش: سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) در گزارشی به معرفی ۱۰ خرید جدید باشگاه های مختلف آسیایی پرداخت که می توانند در مسابقات لیگ قهرمانان ۲۰۱۹ تأثیرگذار باشند که در این بین نام رضا قوچان نژاد و مهدی ترابی به چشم می خورد. سباستین جوونیکو از الهلال عربستان، شوباناکاجمار از الدحیل قطر، لئوناردو دامیلو از کاوارا کی فوروتاله زامبن، مروان قلبنی از شاندونگ لیوننگ چین، مهدی بن عطیه از الدحیل قطر، لئوناردو دولاسکوئس از جوهور دارالتعظیم مالزی، ارسلان میرات آماوف از لوکوموتیو ازبکستان و لیونگ زوان ترونگ از بوریام یونایتد تایلند از دیگر بازیکنان مدنظر این گزارش هستند.

واکنش مهاجم استقلال به شایعه دوپینگش

ورزش: به نقل از سایت رسمی باشگاه استقلال، روح الله باقری درباره شایعاتی که پیرامون او منتشر شده، گفت: من صبح با پیام های زیادی که دریافت کردم، متوجه این موضوع شدم. می توانید از آقایان ستوده و نوروزی و کمیته ضد دوپینگ سوال کنید که من اصلا نست دوپینگ نداده ام و چگونه برخی می گویند نتیجه دوپینگ من مثبت آمده است؟

وی افزود عدم حضور من در ترکیب استقلال به دلیل تصمیم کادرفنی است و من به این تصمیم احترام می گذارم. باقری در بخش پایانی صحبت های خود خاطر نشان کرد: امیدوارم هر چه سریعتر کمیته ضد دوپینگ اعلام کند که این بازیکن که مخفف نام او رب است، چه کسی است؟

مشت حقیقی به صورت معاون باشگاه استقلال

ورزش: علیرضا حقیقی دروازه بان سابق تیم ملی که چند سالی هست در سطح اول این رشته حضور ندارد به دلیل یک اختلاف با علی خطیر، معاون ورزشی باشگاه استقلال در گیری فیزیکی پیدا کرد! نکته عجیب تر اینجا است که بازیکن سابق تیم ملی با مشت به صورت این مسئول البته پر حاشیه لیگ برتری زده و بینی وی دچار شکستگی شده است.

این درگیری به شکلی بود که کار طرفین به کلانتری محدوده مجموعه ورزشی انقلاب کشیده و طرح شکایت شده است.

پیکان در «شهر خودرو» گم می شود؟

سربازان شفر در قلمروی امپراتور

جواد رستم زاده: هفته بیستم لیگ برتر از امروز با نبرد جنوبی ها با سوگلی های پایتخت شروع می شود. در اهوازو در دیداری جذاب استقلال میهمان فولاد خوزستان است. شفر و قطبی شاید تا به حال دیداری با هم نداشته اند اما قطبی با استقلال سه بار وبرده شده است که در هر سه دربی به همراه پرسپولیس مقابل آبی ها شکست نخورده است. افشین قطبی امروز در حالی بعد از ده سال بار دیگر برابر استقلال روی نیمکت می نشیند که در لیگ هشتم به عنوان سرمربی پرسپولیس ۴۵ سال داشت و الان یک مربی ۵۵ ساله است و بیشترین چیزی که که این گفتار زمان را نشان می دهد موهایی است که دیگر کاملا خاکستری رنگ شده اند. او فولاد را به اوج برگردانده و می خواهد بعد از شکست پرسپولیس، راهی را که شروع کرده با شکست استقلال ادامه دهد. استقلال هم نمی خواهد با پائوسی فعلا متوقف شود. پیروزی در اهواز آبی ها را در جدول بالاتر می برد و آتش جنگ برای قهرمانی را شعله ور تر می کند. اتفاقا فولادی ها هم بدشان نمی آید که وارد این جنگ بلند مدت شوند به این شرط که بتوانند ارتش شفر را در بالای پل کارون از کار بیندازند. امروز در تهران شاهد بازی دیگر جنوبی لیگ مقابل پرسپولیس خواهیم بود. بر زبانی های آبادان به آزادی می روند تا مقابل پسران برانکو نمایش خوبی را به اجرا گذارند. چرخ دنده های تیم برانکو این روزها روان نمی چرخند و از آن بازی های چشم نواز این تیم در پنجره های بسته خبری نیست. پرسپولیس برای ماندن در صدر باید این بازی را ببرد. و گرنه شهر خودرویی ها بیخ گوش آنها مقابل پیکان کار چندان سختی ندارند و می توانند فاصله ارزاد تر کنند. اوضاع صنعت نفت آبادان خیلی خوب نیست اما آنها در هفته های اخیر جلوی همه حریفانشان را گرفته اند و کوردی بر تساوی را به جای گذاشته اند. برای سرخ ها تساوی در آزادی کمتر از باخت نیست.

جمعه عصر با دیدار سپاهان و تراکتور حسابی گرم خواهد بود. همه منتظرند تا ببینند برنده این نبرد ۶ امتیازی کدام مربی است؟ بازگشت زارال به تبریز نقطه عطف این نبرد است. تراکتور بتواند سپاهان را متوقف کند خدمت بزرگی به خودش و پرسپولیس و شهر خودرو کرده است. پرتوها به طور حتم در این دیدار هم استادیوم را پر خواهند کرد و عرصه را بر مردمان نصف جهان تنگ می کنند. تی تی ها احتمالا زکوردی جدید را در لیگ هجدهم ثبت خواهند کرد. سپاهان نشان داده با وجود مهره های پرشمارش تیم بی اشکالی نیست و گاهی در تنگناهای تاکتیکی گیر می افتد. تراکتور سازی با مردان پرتجربه اش تیمی نیست که مقابل صدر نشین راحت غافلگیر شود. بازی مهم دیگر این هفته را تیم یحیی با روحیه ای عالی مقابل پیکانی به نمایش می گذارد که حال و روز خوبی ندارد. نتیجه این دیدار در سرنوشت بالانشین ها تاثیر مستقیم دارد. یحیی برای این دیدار بعید است بتواند از محمد قاسمی نژاد استفاده کند. با این حال با آمادگی بالای برزای مشکلی در این خصوص احساس نمی کند. جالب اینکه مشهدی ها برای حمایت از تیم شان با چند اتوبوس راهی تهران شدند تا مقابل پیکان بی تعاشگر برگ برنده تیم شان باشند.

برنامه کامل بازی های هفته بیستم لیگ برتر

پنجشنبه ۹ اسفند
فولاد -استقلال ۱۵:۰۰
پارس جنوبی جم -سایپا ۱۵:۳۰
ذوب آهن -ماشین سازی تبریز ۱۸:۳۰
پرسپولیس -صنعت نفت آبادان ۱۸:۳۰
جمعه ۱۰ اسفند
تراکتورسازی -سپاهان ۱۶:۰۰
پیکان -پدیده شهر خودرو ۱۶:۰۰
سپیدرود رشت -استقلال خوزستان ۱۶:۰۰
نفت مسجدسلیمان -نساجی مازندران ۱۶:۳۰

پرونده ای برای مالکان پردردسر که در فوتبال ایران دوام نداشتند

مولتی میلیاردرها در آفساید قانون!

سینا حسینی: برگزاری دادگاه رسیدگی به تخلفات حسین هدایتی به اتهام اختلال در نظام اقتصادی کشور برای بسیاری از اهالی فوتبال جالب توجه بود. وی یکی از چند نفری بود که در این سال ها در سالن رفتن نرخ فوتبالیست های ایرانی نقش بسیار تاثیر گذاری داشت. عابر بانک فوتبال ایران که حالا در لباس متفاوت مقابل قاضی مسعودی در دادگاه انقلاب اسلامی در جایگاه متهم نشسته است، روزهای خبرسازی را به تنهایی در فوتبال ایران رقم زد.

پای پرسپولیس هم وسط است؟

او به واسطه علاقه اش به تیم فوتبال پرسپولیس تلاش زیادی به خرج داد تا بتواند با ارتباطات پیدا و پنهانش مالکیت این باشگاه را در اختیار بگیرد. حالا که اتفاقات پنهان پشت پرده فاش شده مشخص شده است که منابع مالی او که زمینه ریخت و پاش های فراوان را به دنبال داشت از نظر قانونی و حقوقی با اشکال مواجه بوده و بدون تردید با پیش رفتن مراحل دادرسی به احتمال قوی پای هزینه های چند صد میلیاردی او در فوتبال بویژه باشگاه پرسپولیس و حتی در تیم ملی هم به میان می آید تا یک خبر جنجالی در فوتبال ایران شکل گیرد.

ابراموویچ های وطنی

البته در فوتبال ایران تنها حسین هدایتی به این ترتیب ظاهر نشده است. بلکه پیش از او افراد دیگری هم بودند که در این مسیر حرکت کردند. نخستین نفراتی که به این شکل شروع به ریخت و پاش کردند برادران شفیع زاده بودند. علی شفیع زاده تاجر جوان ایرانی به واسطه علاقه ای که به باشگاه استقلال داشت تلاش کرد به نوعی مالکیت این باشگاه ریشه دار پایتخت را به دست بگیرد اما از آنجا که فرایند واگذاری دو باشگاه بزرگ پایتخت همیشه با مخالفت هایی همراه بوده است این اتفاق رخ نداد و بعد از گذشت زمانی مشکلاتی برای شفیع زاده ها رقم خورد تا آنها به صورت ناگهانی از چرخه فوتبال خارج شوند.

عابر بانک آبی ها

علی انصاری مولتی میلیاردری که پیش از حضور در فوتبال مدیریت فدراسیون دوچرخه سواری را برعهده داشت به واسطه دوستی اش با علی فتح الله زاده و واسطهٔ آشنایی مقطعی به مجموعه مدیریتی استقلال ورود پیدا کرد و هزینه های هنگفتی را صرف خرید بازیکن انجام داد اما پس از مدتی از این حوزه خارج شد تا گرفتار چالش های عجیب فوتبال نشود.

اختلاس های بزرگ

امیر منصور آریا دیگر فردی که بود که با خرید دامنش در این حوزه خبرساز شد. پس از آشکار شدن اختلاس چند هزار میلیاردی این فرد مشخص شد که وی از طریق این باشگاه و سایر شرکت های زیر مجموعه اش اقدام به پولشویی کرده است که همین مسئله سبب شد این باشگاه لیگ برتری با چالش های قانونی و قضایی رو به رو شود و تمامی اموال مرتبط با آن توسط نهادهای نظارتی توقیف شود. بابک زنجانی یکی دیگر از افرادی بود که به واسطه سرمایه عظیمش که در خصوص آن حرف حدیث های فراوانی وجود دارد وارد حوزه فوتبال شد، پس از دستیگری بابک زنجانی باشگاه راه آهن با بحرانی بزرگ به رو به رو شد تا سرنوشت این مجموعه قدیمی با اگر و اماهای فراوانی مواجه شود. زنجانی در مدت حضورش در رأس هم مالکیتی این باشگاه به خدمت گرفتن چهره های نام آشنا و ریخت و پاش های فراوانی تلاش داشت از این مسئله به عنوان سرپوشی برای پنهان کردن دامنه تخلفاتش استفاده کند که با ورود مقامات قضایی به پرونده این فرد باشگاه راه آهن نیز در فهرست اموال توقیف شده از این متهم قرار گرفت.

پدیده تاریخی

محسن پهلوان که بر خلاف دیگر مولتی میلیاردرها خیلی اصولی با آخرین تیم در دسته اول کارش را آغاز کرد با پدیده وارد لیگ برتر شد. تیم او اتفاقا خیلی زود تمیز کار می کرد و تا این اواخر هم در حالی که او در زندان بود به حیات خود ادامه می داد. پهلوان در این مدت کوشید که مدیریت مستقیمی روی تیم نداشته باشد و کار را به کاردان بسپارد اما با کرفتار شدن او در بند تیم او واگذار شد تا تنها خاطره ای از آن پدیده عجیب در یادها بماند.

طنزهای مشکی

در فوتبال مشهد پیش از پهلوان مالکانی ظهور و سقوط کردند که جز سرگشتگی برای مشهدی ها چیزی به جانگذاشتند. فردی که مدعی بود دارای سرمایه ای تمام نشدنی است با وعده حضور زان تیگانا در کادر فنی ابوصلم تلاش کرد مالکیت این باشگاه را تصاحب کند اما پس از مدتی او سر از زندان وکیل آباد مشهد در آورد تا مشخص شود این موضوع صرفا به فوتبال تهران برنمی گردد بلکه در شهرستان ها هم این مسئله روی می دهد.

حمایت کورکورانه

متاسفانه برخی مواقع رسانه ملی نیز در شناخته شدن این افراد به جامعه نقش پر رنگی ایفا کرده است. هرچند مدیران رسانه ملی معتقدند که آنها هیچ پیش زمینه از تخلفات مشهود این افراد نداشته اند اما حضور پر رنگ برخی از این افراد در برنامه های ورزشی تلویزیون به ویژه برنامه ۹۰ سبب شد که اهالی فوتبال و علاقه مندان به این رشته بر این باور باشند که آنها از هر نظر مورد تأیید دستگاه های نظارتی هستند در صورتی که هیچ استعلامی در خصوص آنها اخذ نشده بود. بدون تردید فوتبال ایران در معرض خطر پولشویی سرمایه داران قرار دارد و نمی توان آن را انکار کرد. فوتبال روشکسته ایران که نیازمند تزریق پول است بهترین فضا و عرصه برای تاخت و تاز پولشویی افراد مورد دار در کشور است لذا با کنترل بیشتر می توان مانع از ظهور این افراد شوید. به شرط اینکه ابتدا روشی برای جلوگیری از جوزگی مسئولان تصمیم ساز در حوزه مدیریت ورزش اتخاذ شود.

رئیس جدید فدراسیون وعده داد

عبور قایقرانان از موج های حاشیه

ورزش: رئیس فدراسیون قایقرانی گفت: از امروز تمام حاشیه ها اتفاقات برایم تمام شده و ما یک گروه هستیم که همه با هم تلاش می کنیم قایقرانی را به گونه ای بسازیم که بعد پشیمان نشویم. علیرضا سپهرایان درباره اینکه پس از آغاز کارش در فدراسیون مهمترین مسئله ای که باید در اولویت کار قرار دهد چه چیزی است، بیان کرد: نخستین برنامه ای که باید در اولویت قرار بدهم این است که ببینم چقدر از منابع مالی فدراسیون و لوازم باقی مانده است. باید ارزیابی دقیقی از داشته های فدراسیون داشته باشم و با وجود آن اما رتوانم برنامه ریزی بعدی را عملیاتی کنم و جواگوی نیازهای پرسنل، مربیان و ورزشکاران باشم.

کمیته فنی واقعی

او در مورد پراکندگی نفرات در قایقرانی و اینکه به چه صورت شرایط را جمع و جور کند، تاکید کرد: مسئله مهم دیگری که باید دنبال کنم این است که کمیته فنی واقعی و تخصصی برای هر رشته را تشکیل دهم و نظر کارشناسان را بگیرم. اینکه من خودم بخواهم به صورت انفرادی نظر بدهم همان شیوه سنتی می شود که رایج بوده است. کمیته فنی هم که به این شکل تشکیل داده بودند فایل قبول دوستان بوده است اما الان می خواهیم به صورت تخصصی کار کنم باید هر رشته کمیته فنی خودش را داشته باشد. در اینکه ما از برنامه هایمان عقب هستیم و ورزشکاران ما به صورت گلخانه ای تمرین می کنند شکی نیست اما باید کار را از حالا شروع کنیم تا زمان را از دست ندهیم. به هر حال ماهی را هر وقت از آب بگیریم تازه است.

فراموشی حاشیه ها

سپهرایان در پاسخ به این پرسش که قایقرانی در این اواخر در گیر حاشیه های فراوانی بوده و تلاش می کند حاشیه را در این رشته کم کند، تاکید کرد: از امروز تمام اتفاقات را فراموش می کنم و در دید من هیچ اتفاق منفی وجود ندارد. چون برنامه من از امروز شروع شده است. فقط مقداری باید نظام برنامه ریزی کاری ما تغییر کند و سعی می کنم دیدگاه منفی نسبت به عملکرد دوستان خودم نداشته باشم و از آقای گواری و همکارانش تشکر می کنم که در این مدت فدراسیون را اداره کردند تا به چالش های وخیم تری کشیده نشود.

انتخاب خانواده قایقرانی

او در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه فکر می کند در فرصت زمان باقی مانده بتوانید شرایطی را فراهم کنند تا قایقرانی عملکرد خوبی در المپیک داشته باشد، گفت: تلاش من و دوستان نشان دهنده همه چیز است. ورزشکاران هم از جان مایه می گذارند و من هم خودم ورزشکار بودم و به او بین پست رسیدم. خانواده قایقرانی من را انتخاب کردند. البته منی وجود ندارد چون من مایک گروه هستیم و همه با هم رقابت های گرندپری اسپانیا خواهیم شد.

سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی درباره اهداف کادر فنی از حضور در این ۲ تورنمنت نیز گفت: در اسپانیا قصد داریم بیشتر به نفرات جوان میدان بدهیم اما در تورنمنت لهستان هدفمان باز کردن یکسری از گره های تیم ملی در اوزان مختلف و انتخاب نفرات نهایی پیش از حضور در رقابت های جهانی قزاقستان خواهد بود.

منهای فوتبال

حرکت مجدد قطار لیگ برتر بسکتبال

علی عبداحد: قطار لیگ برتر بسکتبال باشگاه های کشور که به علت برگزاری مسابقات انتخابی پنجره شیم جهانی موقتاً در ایستگاه چهارهفته متوقف شده بود، بعد از وقفه ای بیست و چند روزه، از امروز بعدازظهر مجدداً حرکت خود را آغاز می کند تا رقابت های هفته یازدهم پیگیری شود. پتروشیمی بندر امام میزبان ذوب آهن اصفهان است (پتروشیمی ها و ذوب آهنی ها هر کدام با ۲۵ و ۱۸ امتیاز، سکان های دوم و پنجم جدول). شهرداری گرگان که با ۲۰ امتیاز چهارم جدول است در دیداری سنگین و غیرقابل پیش بینی، پذیرای تیم صدرنشین شیمیدر تهران ۳۵ امتیازی است. تیم آخر جدولی رعد پدافند دزفول به میهمانی تیم مدعی و سوم جدولی پالایش نفت آبادان می رود (آبادانی ها ۳۲ و دزفولی ها ۱۳ امتیاز). تیم آویژه صنعت پارسا مشهد ساعت ۱۶:۳۰ در سالن مرحوم علی حمیدی مجموعه شهید فیاض بخش مشهد میزبان تیم نیروی زمینی تهران است. بسکتبالیست های نیروی زمینی که رتبه ششم جدول را در اختیار دارند دارای ۱۶ امتیاز و آویژه صنعت مشهد با ۱۲ امتیاز در هشتم جدول ایستاده اند. مشهدی ها با موقعیتی که در جدول دارند برای ارتقاء در جدول نیاز مبرمی به پیروزی امروز دارند. این دیدار از سیمای استانی مرکز خراسان رضوی پخش زنده خواهد شد.

مسابقات جهانی تیراندازی

ایران بدون سهمیه ماند

ورزش: در آخرین مسابقات جهانی تیراندازی که به میزبانی هند در حال برگزاری است، علی پوشان کشورمان در تپانچه میکس در خط آتش قرار گرفتند. ایران یک با ترکیب مینا قربانی و جواد فروغی در رده هفتم قرار گرفت. ایران ۲ امتیز با ترکیب گلنوش سبقت اللهی و وحید گلخندان در رده دهم قرار گرفت.

در این مسابقات سهمیه المپیک ۲۰۲۰ توکیو نیز توزیع می شد که ایران بدون سهمیه به کار خود در این مسابقات پایان داد. هانیه رستمیان تنها ورزشکاری است که موفق شد در این مسابقات به مدال دست پیدا کند. وی در تپانچه ۲۵ متر برنز گرفت.

تعیین تیم های سرگروه جام جهانی بسکتبال ۲۰۱۹

سقوط بسکتبال ایران

ورزش: فدراسیون جهانی بسکتبال (فیبا)، رنکینگ جدید تیم های ملی کشورهای جهان را پس از انتخابی جام جهانی ۲۰۱۹ اعلام کرد که بر اساس آن، ۹ تیم صدرنشین، تغییری نکرده و تیم ایران نیز با یک پله سقوط در جایگاه بیست و هفتم جهان، ایستاده است.

رنکینگ جدید فیبا، اساس سیدبندی فدراسیون جهان برای گروه بندی تیم ها در جام جهانی ۲۰۱۹ چین است. جام جهانی برای نخستین بار با ۳۲ تیم برگزار خواهد شد و تیم های سرگروه، چین (میزبان)، آمریکا، اسپانیا، فرانسه، صربستان، آرژانتین، لیتوانی و یونان هستند.

مراسم قرعه کشی جام جهانی بسکتبال ۲۰۱۹، روز شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۷ ساعت ۱۸:۳۰ به وقت محلی در شهر شنژن چین با حضور کوبی برایانت و یائو مینگ برگزار خواهد شد.

سایپا بر سکوی قهرمانی لیگ برتر واترپلو

ورزش: فینال لیگ برتر واترپلو در آستخر قهرمانی ۹ دی تهران برگزار شد و تیم سایپا با پیروزی ۷ بر ۶ مقابل دانشگاه آزاد به عنوان قهرمانی رسید. پیش از این دیدار نیز تیم نفت و گاز مدیریه عنوان سومین لیگ را به خود اختصاص داده بود.

ایگور کولاکوویچ سرمربی تیم ملی والیبال ایران، یکی از میهمانان ویژه فینال لیگ برتر واترپلو بود.

شاگردان بنا در اسپانیا و لهستان

بر اساس برنامه ریزی کادر فنی تیم ملی کشتی فرنگی، قرار است فرنگی کاران ایران سال آینده عازم دو تورنمنت بین المللی در اروپا شوند. محمد بنا با بیان این مطلب افزود: طبق برنامه ریزی های انجام شده قرار است تیر ماه سال آینده در تورنمنت بین المللی پت لاسینسکی لهستان شرکت کنیم و پس از آن نیز در مرداد ماه عازم رقابت های گرندپری اسپانیا خواهیم شد.

سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی درباره اهداف کادر فنی از حضور در این ۲ تورنمنت نیز گفت: در اسپانیا قصد داریم بیشتر به نفرات جوان میدان بدهیم اما در تورنمنت لهستان هدفمان باز کردن یکسری از گره های تیم ملی در اوزان مختلف و انتخاب نفرات نهایی پیش از حضور در رقابت های جهانی قزاقستان خواهد بود.

ورزش در سیما

هفته ۲۰ لیگ برتر ایران
فولاد خوزستان - استقلال
پنجشنبه ۹ اسفند - ۱۵:۰۰ زنده از شبکه سه

هفته ۲۰ لیگ برتر ایران
پارس جنوبی جم - سایپا
پنجشنبه ۹ اسفند - ۱۶:۳۰ زنده از شبکه ورزش

هفته ۲۰ لیگ برتر ایران
ذوب آهن - ماشین سازی
پنجشنبه ۹ اسفند - ۱۸:۳۰ زنده از شبکه ورزش

هفته ۲۰ لیگ برتر ایران
پرسپولیس - صنعت نفت آبادان
پنجشنبه ۹ اسفند - ۱۸:۳۰ زنده از شبکه سه

هفته ۲۰ لیگ برتر ایران
تراکتورسازی - سپاهان
جمعه ۱۰ اسفند - ۱۶:۰۰ زنده از شبکه ورزش

زندگی جدید اسطوره چلسی به عنوان مربی

تری: دلم برای بازیکن بودن تنگ نشده!

امیرمحمد سلطانپور - همین چند روز پیش یکی از متعصب ترین بازیکنان تاریخ، در ورزشگاه ومبلی حاضر بود تا دیدار تیم سابقش یعنی چلسی را در فینال جام اتحادیه مقابل منچستر سیتی تماشا کند. جان تری روزهای خوب و بد زیادی را در پیراهن آبی و همینطور در بین سه شیرهای انگلیس پشت سر گذاشت اما هم اکنون دوران جدیدی را به عنوان مربی در استون ویلا در لیگ دسته اول انگلیس می گذراند. به این بهانه صحبت های او را با جرارد برادند در خصوص دوران فوتبالش و زندگی کنونی پس از آن با هم می خوانیم:

● آیا دلت برای حضور در زمین فوتبال به عنوان بازیکن تنگ شده است؟

حقیقتا باید بگویم دلم تنگ نشده است! شاید روزهای دوشنبه از جمعه دلم برای فوتبال تنگ شود اما وقتی یاد روزهای پرفشار فوتبال در روزهای شنبه و یکشنبه می افتم نظرم عوض می شود. وقتی اکنون بازی چلسی و منچستر سیتی در آنجا را تماشا می کنم دلم می خواهد بازی کنم، اما فشار حواشی پیرامون چنین مسابقه ای و فشاری که در سال های آخر فوتبالم به خود می آوردم، لذت بخش نبود و به همین دلیل است که هم اکنون از دوران بازنشستگی خود البته از لحاظ بازی کردن لذت می برم. چون هم اکنون به گونه ای دیگر در گیر فوتبال هستم.

● مسلما حضور در استون ویلا به عنوان مربی چالش بزرگی برای توست؛ کار کردن با مربیان مطرحی مانند مورینیو، رانیری، اسکولاری، هیدینگ، آنچلوتی، بنیتز، کوئتسه و کاپلو چه تاثیراتی در کار تو خواهد گذاشت؟

من همیشه به شکل کار مربیان در تیم علاقه زیادی داشتم. در برخی از مربیان چیزهایی بود که از آن خوشم می آمد و چیزهایی بود که به هیچ عنوان دوست نداشتم. به همین دلیل تلاش می کنم از آن ها استفاده کرده و آن چیزی که بازیکنان واقعا به آن نیاز دارند را به آن ها آموزش دهم. من حتی از بسیاری از جلسات تمرینی که در آن حضور داشتم یادداشت برداری کردم و چیزهایی که یک بازیکن آن را دوست دارد و برعکس را فهرست کرده تا در چنین روزی از آن استفاده کنم.

● مسلما تاثیرات زیادی از مربیانی که با آن ها کار کرده ای گرفتی؛ چگونه می خواهی فلسفه خاص خود را پیاده کنی؟

این شاکله ای است که با گذشت زمان هر روز شکل می گیرد. گاهی از جلسه تمرین خارج می شوم و چه جلسه حفظ توپ باشد یا تمرین پاس دادن، با خودم می گویم که این جلسه آنگونه که می خواستم پیش نرفت. این نکته را نباید فراموش کرد که چه به عنوان مربی و چه بازیکن در شروع هر جلسه تمرین باید به این فکر کرد که امروز چگونه می توان بهتر شد. چه کاری را قبلا درست انجام دادم و چه کاری را اشتباه انجام دادم. بعضی وقت ها در پایان کار با خود می گویید که امروز بسی نقص کار کردم، اما این همان به فکر بهتر شدن باشید. شروع کار من در مربیگری مانند رفتن به مدرسه می ماند. باید هر روز یاد گرفت و هر روز خود را بررسی کرد.

● نکته جالب اینجاست که تو مربیگری را ناگهان شروع کردی.

یکی از چیزهایی که اگر به گذشته بر می گشتم عوض می کردم همین بود. خیلی بهتر است که بازیکنان در نزدیکی ورود به سومین دهه زندگی خود کارهای مربیگری را شروع کنند. به عنوان بازیکن شما به تمرینات می روید و اشاره هایی به شکل فراهم آوردن شرایط جلسه تمرین می شنوید، اما وقتی مربی باشید فرایند شروع کار در یکی دو ساعت پیش از آن را خواهید دید که کاملا شکل متفاوتی دارد.

● اوضاع اوقات فراغت تو در زمان مربیگری نسبت به دوران بازیکن بودن چه تغییری کرده است؟

یکی از چیزهایی که در زمان بازی برای ما وجود داشت این بود که پس از بازی اول هفته معمولا روز یکشنبه را تعطیل بودیم و با خود می گفتیم که امروز دیگر کاملا استراحت می کنم. اما اکنون مشغول دیدن بازی های قبلی تیم های رقیب یا تهیه کلیپ هایی مخصوص برای بازیکنان تیم خود می شویم. این مسئولیت سنگینی است اما باید خود را برای جلساتی که در روزهای دوشنبه یا سه شنبه داریم آماده کنیم. قبلا به خوبه فکر می کردم اما اکنون باید به کل گروه بازیکنان نگاه داشته باشم. گاهی نیاز است که در روز یکشنبه یا یکی دو بازیکن به صورت شخصی صحبت کرده یا به کار مصدومیت بازیکنان رسیدگی کنیم. در مجموع این کار جنبه های بسیار بیشتری نسبت به زمان بازی دارد.

● مدافعان نیز نسبت به زمانی که تو در فوتبال حضور داشتی به نظر تفاوت های زیادی کرده اند.

در زمان ما مدافعان انجنان پند و اندرز از مربیان دریافت نمی

قدس زندگی
ادب و هنر
۱۴ پنجشنبه ۹ اسفند ۱۳۹۷
۲۲ جمادی الثانی ۱۴۴۰ | ۲۸ فوریه ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۹۱۵

نگاهی به تئاتر ایرانی - سوریِ «الشمس تشرق من حلب» به بهانه اکران‌های اخیرش در ایران

خورشیدی فراتر از زمان و زبان

ادب و هنر- حسن صنوبری | یک: خط سوم‌ها کم‌اند، ولی تأثیرگذارند. در طول تاریخ، حرکت‌کردن بین دوگانه‌های افراطی و تفریطی هیچ‌گاه کار آسانی نبوده است.

بحث این یادداشت درباره یک تئاتر متفاوت و دیدنی است؛ اما به مقدمه‌ای احتیاج دارد: تئاتر از آن هنرهایی است که در طول تاریخ سرزمین‌ها، طیف‌های مخاطبان متغیر و متفاوتی داشته است. اگر به تاریخچه و پیدایش این هنر توجه کنیم، می‌بینیم تئاتر در عصر آغازین و دوران پیدایش خویش از مردمی‌ترین هنرها بوده است. چه در عصر باستان و آن‌هنگام که این هنر با آیین‌ها و باورهای دینی درآمیخته بوده و چه در نخستین لحظات ثبت شده در تاریخ این هنر در سرزمین یونان. در آن روزگار تئاتر معجونی گرم از هنرهای گوناگون بود که مردم کوچه و بازار را سرگرم می‌کرد و گاه به ایشان حکمت و دانش می‌آموخت. اما سیر تاریخی این هنر دایره مخاطبانی‌اش را بارها بسته‌تر و بازتر کرده است، تا آنجا که در دوره‌هایی این هنر صرفاً خاص ثروتمندان، درباریان یا نخبگان خاص یک جامعه شده است.

بخصوص در دوران مدرن و با ظهور تلویزیون و سینما، گسست جدی بین این هنر و مخاطب عمومی‌اش هر روز بیشتر و بیشتر شد و تئاتر به وادی تناقض‌ها و دوگانگی‌ها گرفتار آمد. دوگانه‌ای که برای این گوشه از عالم هنر به وجود آمد، این بود که تئاتر در چنین شرایطی برای ادامه حیات خویش، یا باید فاخر و نخبه‌پسند باشد یا مبتذل و مردم‌پسند؛ یا تئاتری هنری، فنی و مبتنی بر متن‌های فاخر که صرفاً برای گروهی خاص از نخبگان یا طبقات - سیاسی، علمی و اقتصادی - بالای جامعه قابل‌فهم و لذت است؛ یا تئاتری سطحی، عامه‌پسند، تجاری و به منظور سرگرمی عموم مردم و فروش بالا.

در کشور خودمان، با آغاز عصر انقلاب اسلامی تا حدی راه برای خط سوم آغاز شد. خط سوم یعنی تئاتری که به سبب ارزش‌های ساختاری، متعلق به دسته اول تئاترهاست، یعنی فنی و حرفه‌ای و هنری است و به سبب ارزش‌های محتوایی متعلق به دسته دوم تئاترها، یعنی قابل فهم برای عموم مردم است و سخن دل ایشان. در هنرهای دیگری چون نقاشی و موسیقی سنتی هم شاهد چنین اتفاقاتی بودیم؛ در آغاز انقلاب نقاشی‌های بسیاری خلق شدند که خواص از نظر هنری تأییدشان می‌کردند و عوام دوستشان داشتند. موسیقی‌های بسیاری نواخته‌شد که با داشتن اصالت و زیبایی، زمزمه مردم کوچه و بازار هم بودند.

در آغاز انقلاب شاید بیش از همه عوامل، سه عامل در این موضوع مؤثر بود: نخست، بسته‌شدن شرایط تولید موسیقی و تئاتر مبتذل بود؛ دوم «انقلابی بودن» و «دغدغه مردم داشتن» خود هنرمندان عرصه‌های مختلف و سوم توقعی که مردم از هنرمندان خود داشتند تا حنجره و تریبون خواسته‌هایشان شوند. اما بویژه با ورود انقلاب به دومین دهه خود و اتفاقات تلخی که در عرصه مدیریت فرهنگی کشور افتاد، این خط سوم تضعیف شد و باز هواداران همان دو قطبی قدیمی میداندار شدند، یا تئاترهای هنری و اشرافی که در محتوا سخنی جز سخن احزاب سیاسی خاص یا نوستالژی‌های نخبگانی چیزی نداشتند (و ندارند) و هر روز کم‌رونق‌تر و اختصاصی‌تر می‌شدند (و می‌شوند)، یا تئاترهای سطحی و ضعیفی که با استفاده از بازیگران مشهور سینما و تلویزیون یا جاذبه‌هایی مشابه، قصدی جز جمع‌کردن سرمایه و پر کردن جیب سرمایه‌گذاران نداشتند (و ندارند). دو: تا اینجا هرچه نوشتم مقدمه بود. اصل مطلب اینجاست: «خورشید از حلب طلوع می‌کند» (یا همان الشمس تشرق من حلب) به کارگردانی «کوروش زارعی» باری دیگر از جنس «خط سوم» است و برای فرهنگ و هنر روزگار ما مغتنم. گمان می‌کنم نخستین متنی که پیش روی کارگردان این نمایش عربی بوده است، همان نمایشنامه معروف «ابوباسم حیادار» با عنوان «هیهات» است؛ نمایشنامه‌ای آیینی که

برش

کارگردانی، متن، طراحی صحنه، طراحی لباس، طراحی چهره، طراحی حرکات نمایشی، طراحی نور، طراحی صدا و موسیقی و بازی‌های فوق‌العاده بازیگران، این نمایش را به نمایشی دیدنی و خاطره‌انگیز تبدیل کرده است

نزدیک به ۳۰ سال است با عنوان «خورشید کاروان» و با کارگردانی «محمود فرهنگ» در ایران روی پرده می‌رود و جزء محبوب‌ترین نمایش‌های آیینی است. باید توجه کرد که این‌گونه نمایش‌های آیینی شاید در نوع خود خوب و ارزشمند باشند و از جنس دو گونه نمایشی خاصی که گفتیم نباشند، اما در حوزه مخاطب سرانجام فراتر از اقشار مذهبی نمی‌روند. درحالی که نخستین ویژگی خاص نمایش «خورشید از حلب طلوع می‌کند» این است که از جنس نمایش‌های اقتباسی است و خوانشی خاص، متفاوت و نو از آن نمایشنامه دیرین داشته است. خوانشی که دایره مخاطبانی این نمایش را خیلی فراتر از اقشار مذهبی برده است. کوروش زارعی در این اثر اقتباسی خود سراغ موضوعی رفته است که موضوع روز جهان و همه مردم آن، بویژه مردمان مشرق‌زمین و غرب آسیاست. مسائلی چون «داعش» و «تکفیر» مسئله این حزب و آن حزب و این کشور و آن کشور نیستند، بلکه مسئله روز جهان‌اند.

و البته که زارعی با نگاهی تطبیقی که به اتفاقی چون عاشورای امام حسین(ع) و جنایات امروزی داعش داشته است، جدا از چندبرابر کردن مخاطبان یک تئاتر آیینی، به آن عمقی تمدنی، فکری و راهبردی در فهم اندیشه و تاریخ اسلام و همچنین مسائل جهان معاصر داده است. مخاطبی که این تئاتر را در سال ۲۰۱۹ تماشا می‌کند، از یک طرف وقایع امروز جهان را با تاریخ می‌فهمد و از طرفی دیگر هم تاریخ را با وقایع امروز جهان می‌خواند. «جنایات یزیدیان چگونه بود؟» ذهن معاصرشناس می‌گوید: مانند جنایات داعشیان؛ «جنایات داعشیان چگونه بود؟» ذهن تاریخ‌شناس می‌گوید: «مانند جنایات یزیدیان». تماشاگرِ«الشمس تشرق من حلب» فراتر از یک مواجهه تاریخی یا سیاسی، به فلسفه تاریخ پرتاب می‌شود و در رفت‌وآمدی دیالکتیکی مدام از عین به ذهن و از ذهن به عین می‌رود. این تعمق و فرا رفتن تئاتر از مرزهای زمانی، هنر بی‌نظیر این نمایشنامه و امتیاز دومی است که جدا از گسترده‌شدن مخاطبانش کسب می‌کند.

چنانکه در امتیاز دوم گفتیم «الشمس تشرق من حلب» مرزهای زمانی را درنوردیده است؛ سومین امتیاز خاص این نمایش هم، بیرون رفتنش از حصار مرزهای زبانی و مکانی است. «الشمس تشرق من حلب» را یک کارگردان ایرانی، با استفاده از زبان عربی، بازیگران عرب و در یک سرزمین اصیل عربی به روی صحنه برده است. نخستین و اصلی‌ترین اجراهای این نمایش در سوریه بوده است و جالب اینکه در آن سرزمین هم با استقبال فراوان مخاطبان عرب‌زبان روبه‌رو شده است. از این جهت، این نمایش جدا از موضوع و محتوا، در اجرا و ساختار هم فرامرزی و بین‌المللی است. از سویی دیگر هم «الشمس تشرق من حلب» قدمی است در راستای گفت‌وگوهای جهانی هنرها و حفظ محبت و وحدت عمیقی که در سالیان اخیر بین دو ملت ایران و سوریه به‌وجود آمده است.

روزهای پایانی بهمن‌ماه گمان می‌کنم برای نخستین‌بار این نمایش با همان زبان عربی و بازیگران سوری به سالن تئاتر شهر تهران آمد و شگفت‌انگیز که باوجود زبان غیرفارسی، برای مخاطبان فارسی‌زبان هم نفسگیر و لذتبخش بود.

ای بسا هندو و ترک همزبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست
همدلی از همزبانی بهتر است*

این سه ویژگی وقتی به توان هنری بالای کارگردان و هنروران نمایش اضافه می‌شود نتیجه‌اش ظهور دوباره و قدرتمند خط سوم تئاتر خواهد بود. کارگردانی، متن، طراحی صحنه، طراحی لباس، طراحی چهره، طراحی حرکات نمایشی، طراحی نور، طراحی صدا و موسیقی و بازی‌های فوق‌العاده بازیگران، این نمایش را به نمایشی دیدنی و خاطره‌انگیز تبدیل کرده است. مخاطبی که به تماشای این تئاتر رفته است تا مدت‌ها موسیقی‌های درجه یک و لذتبخش آن را در گوش خود دارد و چهره و بازی بازیگرانش (بخصوص بازی «مروان غریواتی » در نقش راهب مسیحی و «حسان الفیصل» در نقش یکی از تکفیریان و حرامیان) را فراموش نخواهد کرد.

البته من هم به عنوان یک مخاطب عام هنر، نقدهایی به این نمایش دارم، بویژه به آن پرده از نمایش که بازیگر نقش امام حسین(ع) بدون شکوه و تمهیدات لازم در صحنه حاضر می‌شود و همچنین تاحدی به زنده نبودن موسیقی‌ها. اما این‌قدر می‌دانم که چنین تئاتر مردمی زیبایی که به بهانه مردمی‌بودن دست از هنر نکشیده و به بهانه هنری‌بودن گفت‌وگو با مخاطب عمومی را رها نکرده است، مغتنم است؛ باید حمایت شود و ادامه پیدا کند.

* مولوی

یادداشت

نگاهی به کتاب «طنین ترانه» نوشته سارا بالو

کتابی کاربردی برای ترانه سرایان

آرش شفاعی: درباره ترانه و تحلیل روند ترانه سرایی در ایران در سال‌های اخیر کتاب‌های خوبی منتشر شده است. تا چندی پیش در این زمینه خلأ آثار پژوهشی بشدت به چشم می‌آمد، اما در این سال‌ها نویسندگانی چون سعید کریمی، مهدی موسوی میرکلایی و هادی حسینی‌نژاد که خود شاعر و ترانه سرایند، در این حوزه وارد شده‌اند و با نگارش آثاری پژوهشی بخشی از این خلأ را جبران کرده‌اند.

کتاب جدیدی که در این حوزه منتشر شده است، «طنین ترانه» منتشر شده در انتشارات فصل پنجم با موضوع روایتگری در ترانه‌های معاصر پارسی است که آن را سارا بالو نگاشته است که اتفاقاً او خود نیز ترانه سراست. کتاب اخیر برخلاف بیشتر کتاب‌های دیگر در این حوزه که یا نگاهی بلاغی و بیانی به ترانه داشته‌اند و یا نگاهی برآمده از تحلیل تاریخی داشته‌اند، به ویژگی‌های ترانه‌هایی پرداخته است که براساس روایت و روایت گری سروده شده‌اند.

نویسنده در این کتاب، نخست به بیان تعاریف خود درخصوص روایت و روایت‌گری پرداخته و با استفاده از آموزه‌های نظریه‌پردازانی مانند تودوروف، بارت، ژنت و دیگران تلاش کرده است در تحلیل روایت، کاملاً متکی به دیدگاه‌های نقد ادبی نوین باشد، بخصوص اینکه موضوع روایت گری در حوزه ادبیات منظوم بخصوص ترانه از حوزه‌هایی است که در نقد ادبی امروز ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اگر هم در برخی کتاب‌ها به آن اشاراتی شده است، اشاراتی در کنار دیگر مباحث بوده است و قرار گرفتن موضوع روایت و روایت‌گری به عنوان ستون فقرات و کانون اصلی توجه منتقد ادبی در حوزه ادبیات منظوم، یکی از امتیازات ویژه این کتاب است.

روال کار نویسنده این بوده است که تعدادی از ترانه‌های موفق دهه‌های اخیر را که دارای منطق روایی بوده‌اند، گزینش کرده است و هر ترانه را از منظر عناصر روایی و شیوه روایت گری ترانه سرا، مورد توجه قرار داده و تلاش کرده است نخست شیوه روایت‌گری ترانه سرا را برای مخاطب توضیح دهد و دوم به دلایل موفقیت ترانه بپردازد. به همین دلیل کتاب کاملاً کاربردی است و به درد ترانه سرایانی که تازه پای در این راه گذاشته‌اند می‌خورد و خوانندگانی که به دنبال یک جنگ و مجموعه ترانه منتخب هستند، باید به آثار دیگری در این حوزه رجوع کنند. نویسنده هدف‌گذاری مشخصی دارد، تحلیل روایت در ترانه و به همین دلیل شاهدمثال‌هایی انتخاب کرده است که بتواند گرایش‌های زبانی و رویکردهای مضمونی مختلف را در این حوزه پوشش دهد. به همین دلیل در این کتاب، ترانه‌هایی با زبان کاملاً امروزی (مانند ترانه پیکان از یغما گلرویی) و ترانه‌هایی با زبان کلاسیک (مانند ترانه خرقه از روزبه بمانی) را شاهدیم یا ترانه‌هایی رمانتیک (مانند جزیره از فرح تجلی) و ترانه‌های سوررئالیستی (مانند ترانه پرنده از امیر توده فلاح). انتخاب ترانه‌ها بر این مبنا درست و هوشمندانه است و نویسنده تلاش کرده است در کتاب، علاوه بر تحلیل متنی، به فرامتن نیز اشاره داشته باشد، مثلاً در تحلیل ترانه‌های دهه ۵۰ به وضعیت اجتماعی و استیلای تفکر چپگرایانه در ادبیات این دوره اشاره کرده است و از این منظر به فرامتن موجود به ترانه‌هایی مانند جنگل اشاره دارد که به حوادث سیاهکل و تأثیر آن در تحلیل ترانه پرداخته است. با این همه، ایراد اصلی کتاب این است که ساختار پایان نامه‌ای آن تغییر نکرده است. نویسنده باید این ساختار را تغییر می‌داد و با اضافه کردن موارد لازم و اطلاعات جدید، آن را به ساختار یک کتاب تألیفی تغییر می‌داد.

خبر

محمدحسین نیرومند:

گرافیک انقلاب اسلامی ادبیاتی فرا زبانی ایجاد کرده است

فارس: محمدحسین نیرومند استاد دانشگاه و هنرمند برجسته گرافیک، درباره بزرگ‌ترین دستاورد هنرهای تجسمی بویژه گرافیک در چهار دهه انقلاب اسلامی، اظهار داشت: یکی از شاخه‌های هنر که با اختراع و گسترش فناوری‌های نوین تحولی اساسی یافت، هنر گرافیک، پوستر و کارتون بود؛ هنری مستقیم و بی‌واسطه که پیام را در دو یا سه مرحله با ته‌مایه طنز به مخاطبان القا می‌کرد و همین مسئله سبب افزایش مخاطبان و جذابیت این هنر شده بود. پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ این رشته هنری در رساندن ارزش‌ها و پیام انقلاب اسلامی بسیار مفید فایده بوده و بارها کارایی خود را نشان داده است. وی ادامه داد: امروز گرافیست‌ها و کسانی که در شاخه‌های کاریکاتور، کارتون و پوستر فعالیت می‌کنند، آثار خودشان را نه برای مخاطبان محدود، بلکه برای سراسر مردم جهان تولید می‌کنند. امروز برای یک موضوع سیاسی علیه سعودی‌ها، تکفیری‌های داعش و یا هر موضوع دیگر بیش از ۱۰۰۰ هنرمند از سراسر جهان آمادگی خود را برای تولید اثر اعلام می‌کنند. حال نقطه محور و علت اصلی حضور اینچنین انسان دغدغه‌مند که هنر خود را در جهت آرمان‌های انقلاب اسلامی از جمله دفاع از مظلوم، اعلام دشمنی با ظالم، خنثی کردن توطئه‌ها و سایر موضوعات جمع می‌کند برکت انقلاب اسلامی است. این هنرمند تأکید کرد: امروز انقلاب اسلامی ادبیاتی فرازبانی و فراملیتی ایجاد کرده است که هنرمندانی از چین، کره، آمریکای شمالی و حتی آفریقا وارد عرصه شده و آثار خود را برای ما ارسال می‌کنند و ما آن را به نمایش می‌گذاریم. از طرفی برعکس آن هم صادق است؛ شما بسیاری از تولیدات هنرمندان گرافیست ایرانی را در تظاهرات‌ها، اعتصابات و راهپیمایی‌های کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی می‌بینید. هنر گرافیک مرزها را جا به جا کرده است و عملاً بعد مسافت مانعی برای رساندن پیام نیست. نیرومند با بیان اینکه ۴۰ سال پیش صدای یک هنرمند مدافع حقوق بشر و دفاع از مظلوم شاید از اتاقش هم خارج نمی‌شد، گفت: ادعای روشنفکری و دفاع از حقوق بشر مسئله‌ای گرهگشا به نفع مظلومان نیست. در حالی که پیش از انقلاب هنرمندان گاه نمی‌توانستند مواضع ضد رژیم خود را نسبت به آمریکا اعلام کنند، اما امروز می‌بینیم که جریان مبارزه با استکبار در خود خاک آمریکا نیز ادامه یافته و عملاً دست به اتفاقات بسیار بزرگی زده است. امروز اگر هنرمندی تصمیم بگیرد علیه یکی از مهره‌های رژیم صهیونیستی، سعودی‌ها و یا دولتمردان آمریکا اثری را تولید کند، براحتی می‌تواند جریان‌ساز باشد.

ادبیات

بهمن نامور مطلق در برنامه تلویزیونی « شب شعر » :

هویت ادبی ما مدیون سعدی است

مهر: بهمن نامورمطلق در برنامه شب شعر گفت: بخش بزرگی از هویت فرهنگی، ادبی و زبانی ما مدیون سعدی است. جنبه مثبت قضیه این است که ما هنوز سعدی و حافظ را خوب می‌فهمیم و این نشان از داشتن زبانی توانمند است. بیستمین برنامه تلویزیونی «شب شعر» با موضوع «تأثیرپذیری شاعران معاصر از سعدی» با اجرای محمود اکرامی‌فر و حضور اسماعیل آذر استاد دانشگاه و پژوهشگر و بهمن نامور مطلق استاد دانشگاه، پژوهشگر حوزه ادبیات تطبیقی و رئیس دانشگاه فرشچیان از آنتن شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد.

سؤال ابتدای برنامه این بود: بخش بزرگی از هویت فرهنگی، ادبی و زبانی ما مدیون سعدی است و چرا پس از ۷۰۰ سال هنوز بهترین اشعار ما اشعار حافظ و سعدی است؟

نامور مطلق در پاسخ به این پرسش گفت: بخش بزرگی از هویت فرهنگی، ادبی و زبانی ما مدیون سعدی است. جنبه مثبت قضیه این است که ما هنوز سعدی و حافظ را خوب می‌فهمیم و این نشان از داشتن زبانی توانمند است که توانسته از قرن‌ها عبور کند و هنوز تازگی و طراوت داشته باشد. جنبه منفی قضیه این است که ما قله‌هایی مثل حافظ و سعدی به عنوان قله‌هایی دست نیافتنی درست کرده‌ایم، بنابراین هیچ گاه نتوانستیم از آن‌ها عبور کنیم و این نگاه سبب منجمد شدن زبان ما شد و همیشه نگاهمان به قله پشت سرمان بود. نظر خود من به جنبه منفی نزدیک‌تر است. ما به خاطر اشتباهات تاریخی و زبان شناختی، موجب کم شدن پویایی زبانمان شدیم.

آذر در رد صحبت‌های نامور مطلق مبنی بر منجمد شدن زبان فارسی، گفت: زبانی زنده است که در طول تاریخ تغییر نکرده باشد. اکنون انگلیسی ۲۰۰ سال پیش هم قابل فهم نیست. اشعار ۱۰۰۰ سال پیش ما انگار امروز سروده شده است که این نشانه قدرت یک زبان است.

نامور مطلق درباره این مسئله پاسخ داد: اگر ما بپذیریم که زبان، یک عنصر اصلی و اساسی فرهنگ است و فرهنگ پدیده‌ای است پویا که با زمان و مکان حرکت می‌کند، بنابراین باید بپذیریم که زبان هم باید تغییر کند. وقتی نیازهای ما تغییر می‌کند، باید واژگان و نحو ما نیز تغییر کند. انجماد ما در حوزه زبان، نوعی خیانت به سعدی، حافظ و فردوسی است. این انجماد سبب شد قالب‌های شعری از اروپا وارد ایران شود. قرن‌ها پیش ما مؤلف بودیم و اکنون اقتباس می‌کنیم. یک جایی مشکل وجود دارد. آذر در پاسخ گفت: اگر ما بخواهیم این زبان را تغییر بدهیم دیگر باید سعدی را کنار بگذاریم، سعدی معیار زبان است.

تجلیل از سعدی در تکرار او نیست، در ادامه اوست

نامور مطلق هم در ادامه بحث گفت: سعدی محتوا و فرم خاص خود را دارد. محتوا جاودانه است. ما به سعدی همیشه نیاز داریم. ما میراث‌داران خوبی برای زبانمان نبوده‌ایم. ما آن‌قدر حافظ و سعدی را استفاده کرده‌ایم که این‌ها را دچار فرسودگی معنا کرده‌ایم و این دلیل استقبال از اشعار غیر ایرانی است. ما اگر هنوز از شعر حافظ و سعدی لذت می‌بریم به دلیل این است که انتخاب دیگری نداریم. تجلیل از سعدی در تکرار او نیست، در ادامه اوست.

آذر گفت: هر پویایی‌ای نمی‌تواند مثبت باشد. زبان فارسی مثل حرکت جوهری ملاصدرا در خودش دائم در حال تکامل است. چرخ تفکر حافظ از ازل تا ابد حرکت می‌کند و این چرخ پویاست و نه ایستا.

بازتاب

در هفتاد و یکمین نشست «ترنم قلم» مطرح شد

آل احمد از دردهای زمانه می‌نوشت

باشگاه خبرنگاران: هفتاد و یکمین نشست «ترنم قلم» همراه با جلسه نقد و بررسی شیوه نگارش جلال آل احمد و با نگاهی بر دو کتاب «مدیر مدرسه» و «پنج داستان» او در فرهنگسرای گلستان برگزار شد.

آل احمد، یکی از شکل دهندگان داستان ایرانی است

حسن میرعابدینی، نویسنده و منتقد ادبی، در ابتدای این جلسه ضمن بررسی آثار جلال آل احمد گفت: عبارت «داستان ایرانی» یک مفهوم تاریخ‌مند است؛ به این معنا که با مقوله‌ای روبه‌رو هستیم که بتدریج و با گذر زمان شکل گرفته است. از همین منظر می‌توان گفت برداشتی که امروز از داستان ایرانی داریم، بسیار متفاوت با برداشتی است که در دهه ۲۰ از این مفهوم استنباط می‌شد. برای شکل دادن به مفهوم داستان ایرانی، نویسندگان بسیار زیادی فعالیت کردند و هر کدام به سهم خود، این مقوله را تقویت کرده و از نظر مضمون و شکل چیزی به آن افزودند. این نویسندگان کسانی هستند که همیشه می‌توان کارهایشان را بحث و بررسی کرد. یکی از این افراد، جلال آل احمد است. اگرچه عمر او کوتاه بود، اما در همین فرصت کوتاه، فعالیت ادبی چشمگیری داشت. آل احمد یکی از بهترین مقاله‌نویسان ماست. او همچنین در دیگر قالب‌های ادبی نظیر رمان، داستان کوتاه و... آثار ماندگاری را نوشته است.

وی ادامه داد: دوره کاری آل احمد را می‌توان به دو دوره که تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند، تقسیم کرد. او در دوره اول که از سال ۱۳۲۴ آغاز شده و تا ۱۳۳۲ ادامه می‌یابد، داستان کوتاه‌های زیادی نوشته است. برای مثال، آل احمد در سال ۱۳۲۴، داستان کوتاه «زیارت» را می‌نویسد و این روند در سال‌های بعدی نیز ادامه دارد. در دوره دوم که پس از کودتای ۲۸ مرداد آغاز شده و تا آخر عمر آل احمد ادامه می‌یابد، او به نوشتن رمان مشغول می‌شود و در این مقطع یک تز اساسی دارد و آن هم غرب‌زدگی و بازگشت به خویش است.

اوج فعالیت هنری جلال در داستان کوتاه است

میرعابدینی اوج فعالیت آل احمد را داستان کوتاه‌های او دانست و اضافه کرد: جالب است که در همان داستان کوتاه اول این نویسنده یعنی زیارت، ویژگی‌هایی دیده می‌شود که بعداً در دیگر کارهای او نمی‌بینیم. توجه داشته باشید که بعضی از داستان‌نویسان، تخیل قوی داشته و بیشتر داستان‌هایشان متکی بر عنصر تخیل است. در نقطه مقابل، داستان‌نویسانی حضور دارند که بیشتر آثارشان بر مبنای خاطراتشان است و از تجربیات زیستی خود حرف می‌زنند. جلال آل احمد یکی از نویسندگانی است که در داستان‌هایش نقش پررنگی دارد. بدین معنا که بسیاری از داستان‌های او بر مبنای حسب حالش شکل گرفته است. این موضوع در رمان «مدیر مدرسه» نسبت به دیگر آثار بسیار پررنگ‌تر است.

نوشتن داستان کوتاه کودک

میرعابدینی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به موفقیت آل احمد در خلق داستان کوتاه برای کودکان و داستان کوتاه تک‌گویی گفت: تا سال ۱۳۲۵، نویسندگان ما اصلاً داستان کوتاه را نمی‌شناسند. در سال ۱۳۲۰، با ترجمه تعدادی مقاله درباره عناصر داستان کوتاه، این قالب ادبی برای خود جا باز کرده و در نهایت پرویز خانلری در سال ۱۳۲۵، داستان کوتاه را به عنوان یک نوع ادبی جدید در کنار نمایشنامه‌نویسی و رمان مطرح می‌کند. آل احمد یکی از نویسندگانی است که در همین مقطع، داستان کوتاه حوزه کودک می‌نویسد. این موضوع با توجه به شرایط عمومی جامعه و شناخت بسیار کم نسبت به داستان کوتاه، نقطه طلایی آل احمد به شمار می‌رود.

آل احمد از دردهای زمانه می‌نوشت

وی در بخش انتهایی صحبت‌های خود رمان «مدیر مدرسه» را بهترین رمان جلال آل احمد دانست و یادآور شد: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تمام آثار آل احمد، نثر اوست.

او در دهه ۴۰، بیشتر به دلیل نثر شیوای خود مشهور شده است؛ نثری که شتابان و در عین حال تلگرافی است. این نثر برای توصیف بسیاری از اتفاقات سیاسی و اجتماعی دهه ۳۰ و ۴۰ کشور بسیار مفید است. عمدتاً گفته می‌شود که جلال آل احمد، رمان‌نویس موفقی نبوده است؛ زیرا نمی‌تواند فضای سؤال‌برانگیز یک رمان را به درستی توصیف کند. در این میان، رمان «مدیر مدرسه» او بسیار خواندنی و جذاب است. این کتاب به دو دلیل خوب از آب درآمده است؛ نخست آنکه ساختار ساده‌ای دارد و از این منظر شبیه به داستان کوتاه است. در این رمان، یک شخصیت اصلی وجود دارد و بقیه شخصیت‌ها در مواجهه با آن شخصیت اصلی تعریف می‌شوند. محمدرضا اصلانی نیز در ادامه این نشست گفت: آل احمد نویسنده‌ای رئالیست است که از دردهای زمانه حرف می‌زد. او تجربه شکست کودتای ۲۸ مرداد را به چشم دیده و به همین دلیل، منبع خوبی برای بیان حرف‌های رئالیستی است. خط به خط داستان‌های جلال آل احمد، حاصل تجربه‌های زیستی خود اوست. او بیشتر درباره چیزهایی حرف می‌زند که خودش تجربه کرده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جلال که نویسندگان جوان ما باید به آن توجه داشته باشند، مردمی بودن اوست. داستان‌نویسان جوان ما باید یاد بگیرند که چگونه در دل جامعه زندگی و دغدغه مردم را منعکس کنند.

گفت‌وگو با محسن عقیلی سازنده مستند «کرّار» درباره زندگی شهید رضا سنجرانی

آن گونه که خواست روایت شد

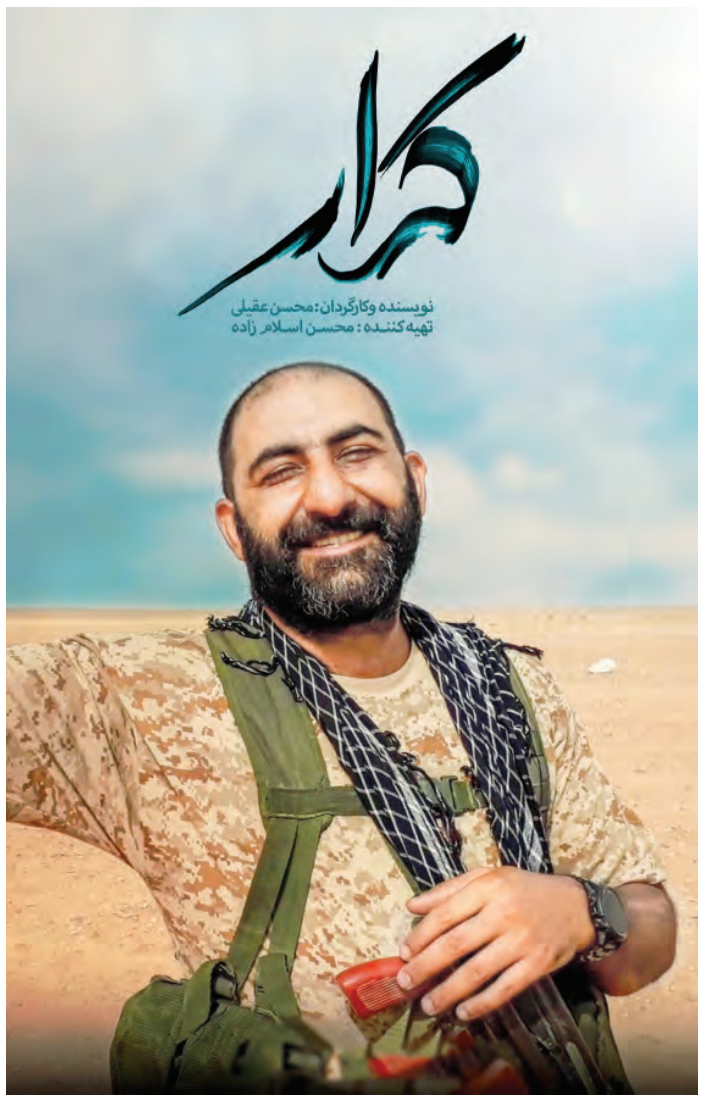

| سیما و سینما/جواد شیخ‌الاسلامی | مستند کرّار روایتگر زندگی شهید سنجرانی است که پس از ظهور داعش، محمدرضا با اسم مستعار «کرّار» به سوریه می‌رود و مسئولیت آموزش پادگان تیپ «فاطمیون» را برعهده می‌گیرد. اثر، فیلم‌هایی که وی از نبرد با تکفیری‌ها گرفته است را نشان می‌دهد و ویژگی‌های اخلاقی او را مانند سختگیری در زمان آموزش، روحیه بالا و شوخ طبعی در میدان نبرد روایت می‌کند. این مستند به کارگردانی «محسن عقیلی» ساخته شده است. عقیلی که یک مستندساز جوان است در کارنامه کاری‌اش آثاری همچون «پرواز از حلب» دارد. گفتنی است؛ مستند «کرّار» یک قسمت از مجموعه ۱۵ قسمت تولیدی درباره شهدای مدافع حرم است. جالب اینکه قسمت‌هایی از آنکه شهید را در میدان جنگ در حال شوخی و خنده نشان می‌داد، در فضای مجازی به سرعت دست به دست شد. به بهانه اکران مستند کرّار در دفتر نهضت مردمی پوستر انقلاب، با محسن عقیلی درباره چگونگی ساخت کرّار صحبت کردیم که در ادامه می‌خوانید:

◆ بفرمایید چطور شد که از بین شهدای مدافع حرم به سراغ ساخت زندگی شهید سنجرانی‌رفتید؟

طبیعتاً من هم مثل هر مشهدی دیگر که وقتی خبر شهادت یکی از بچه‌های مدافع حرم در شهر می‌پیچد شاخک‌هایش حساس می‌شود، دغدغه پیدا کردم شهید سنجرانی را بیشتر بشناسم و جالب اینکه در یک اتفاق توفیق ساخت مستندی درباره این شهید عزیز نصیبم شد. انگار هم من به سراغ شهید رفتم و هم شهید سراغ من آمد. ماجرا هم از درخواست یکی از دوستان آغاز شد که تماس گرفت و گفت برای مراسم وداع با شهید سنجرانی یک کلیپ می‌خواهند. این درخواست جرقه این کار را در من زد، درست مثل مستند قبلی «پرواز از حلب» که آن هم با درخواست ساخت یک کلیپ شروع شد. پس از اینکه درخواست دوستان را برای ساخت کلیپ اجابت کردم و فیلم‌هایی که از شهید سنجرانی موجود بود به دستم رسید، بیشتر با شخصیتش آشنا شدم و بهتر است بگویم جذبش شدم. در حقیقت محال است که شما یک دقیقه از این فیلم‌ها را ببینی و یا در زمان حیات رضا با او یک دقیقه محشور بوده باشید و جذب اخلاق، مرام و طنازی این آدم نشوید. وقتی فیلم‌ها را دیدم دلم گیر کرد و تصمیم گرفتم مستند را بسازم.

◆ در مستند تبدیل شدن سوژه به فرم و اثری هنری خیلی مهم است. چطور هم شخصیت رضا را نشان دادید و هم به فرم رسیدید؟

به نکته خوبی اشاره کردید. زمانی که ابراهیم حاتمی کیا «چ» را ساخت کسانی که با شهید چمران بودند، به آن کار ایراد گرفتند و می‌گفتند معنویت و شجاعت چمران کو؟ دنبال این بودند که تمام ویژگی‌ها و ابعاد شخصیتی چمران، از تولد تا شهادت، در فیلم روایت شود. درحالی که شرح زندگی و ابعاد این آدم‌ها در یک فیلم یک، دو ساعته نمی‌گنجد. درباره فیلم «کرّار»، اگرچه قیاس مع الفارق است، همین اتفاق افتاد. بعضی‌ها می‌گفتند شخصیت ورزشی رضا کو؟ شخصیت معنوی او کجاست؟ ولی همان آدم‌ها وقتی یک بار به فیلم رجوع کردند راضی شدند. اگر کسی با دقت این اثر را تماشا کند متوجه خواهد شد که در لایه‌های زیرین فیلم به تمام ابعاد شخصیتی رضا پرداخته شده است. درست است که قالب مستند «کرّار» قالب جدیدی نیست و یک روایت موازی دارد؛ یعنی همسرشهید پشت جبهه را روایت می‌کند و خود رضا داخل جبهه را روایت می‌کند، اما در لابه لای این حرف‌ها و تصاویر حرف‌های دیگری هم بیان می‌شود.

◆ شما در اثرتان روحیه طناز و بذله گوی شهید را برجسته کرده‌اید، که اتفاقاً فرمانده جنگ هم بوده است، نگران این نبودید که به شما ایرادی گرفته شود؟

وجه برجسته و جذاب شخصیت شهید سنجرانی برای من و هرکسی که رضا را برای نخستین بار می‌بیند آن شخصیت جذاب، طناز و بذله‌گوی اوست. مثل وقتی که از دور به مشهد نگاه می‌کنی و خیلی راحت و زود نورافشانی گنبد و بارگاه امام رضا(ع) را می‌بینی و تشخیص می‌دهی، هرکس که رضا را هم از دور و نزدیک ببیند، این بُعد از شخصیت او برجسته و توی چشم می‌آید و سایر ابعاد اخلاقی، روحی و معنوی او ذیل همین شخصیت با نشاط و بذله‌گو مطرح می‌شود. من برای هرکار دو نوع مخاطب می‌بینم؛ مخاطب عام و خاص. مخاطب خاص مستند «کرّار» کسانی هستند که شهید را می‌شناخته‌اند و با هم رفاقت داشته‌اند. اکثر این نقدها از زاویه این آدم‌هاست. یعنی کسانی که آشنایی نزدیک داشته‌اند. اما اگر بروید در اینستاگرام و قطعاتی که برش خورده و در صفحات مخاطبان قرار گرفته را ببینید، متوجه می‌شوید بازخورد مخاطب عام نسبت به مستند چطور بوده است. مخاطب عام وقتی می‌بیند رضا در پشت خاکریز گیر کرده و نمی‌تواند سرش را بلند کند و در همان حال گوشی را در می‌آورد و از خودش و ابوعلی فیلم می‌گیرد و شروع می‌کنند به خندیدن و خنداندن همدیگر، نمی‌گوید «اینجا جنگ است و چه جای شوخی است؟!» بلکه می‌گوید پشت این طنازی‌ها و خنده‌ها چه اعتقاد و باوری است که در فاصله ۱۰۰متری با داعش مرگ و زندگی را به بازی می‌گیرد؟! به نظر من باید فیلم را براساس دریافت، حس و نقد مخاطب عام قضاوت کرد. حتی چهره‌هایی مثل مسعود ده نمکی برش‌هایی از مستند را در صفحاتشان گذاشته‌اند و خوب است که برویم نظرات مردم را ذیل همین پست‌ها بخوانیم تا ببینیم چگونه افراد با نگاه‌های مختلف و حتی گاهاً متضاد جذب شهید سنجرانی و اثر شده‌اند.

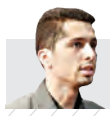

برش

> شهید سنجرانی در وصیت نامه‌اش هم می‌گوید که خواهشا من را قدیس معرفی نکنید؛ من را طوری معرفی کنید که بوده‌ام. حتی با زبان طنز می‌گوید من بارها از خدا خواسته‌ام توفیق توبه به من ندهد! من همین رضا سنجرانی را دوست دارم؛ سعی کردم او را طوری روایت کنیم که خودش خواسته است

◆ می خواهید بگویید این مستند را برای مردم‌ساخته‌اید؟

دقیقاً. من نمی‌خواستم رضا را طوری ترسیم کنم که نبوده است. چون همه انتظار دارند بگویم آقا رضا به طور مثال نمازشب می‌خوانده و هیئت می‌رفته و این چیزها. دست گذاشتن روی این ابعاد از شخصیت شهدا کاری است که به خاطر تکرار زیاد درباره مستندهای دفاع مقدس، کلیشه‌ای شده است و مخاطب آن را پس می‌زند. ما می‌خواهیم شهید را قدیس نشان بدهیم اما در «کرّار» همه آن ویژگی‌های شخصیتی را ذیل آن روحیه با نشاط، بذله گو و شاد گذاشته‌ایم. به نظرم این علت موفقیت کار بوده است. مردم بشدت ارتباط گرفته‌اند. اخیراً پستی دیدم که عزیزی از پسربچه ۶، هفت ساله‌اش عکسی گرفته بود و زیرش نوشته بود «پسرم برای ششمین بار دارد مستند کرّار را می‌بیند و به من گفته است بابا این بهترین فیلمی است که من دیده‌ام». این یکی از بازخوردهاست و خدا را شکر مردم خیلی با کار ارتباط گرفته‌اند و خیلی با شخصیت رضا کِیف کرده‌اند. غیر از این هم انتظاری نمی‌رفت.

◆ مدتی است که آثاری با محوریت شهدای مدافع حرم ساخته می‌شود و به گفته شما مخاطب هم در برخی موارد از این آثار به خوبی استقبال کرده است اما همچنان در مورد این جنگ نگفته‌ها بسیار است مثلاً بحث علت ورود ما به سوریه که هنوز برای خیلی از مردم مبهم و قبول نشده است. شما در مستندتان به این نکته توجه داشته‌اید؟

خیلی گذرا. به خاطر اینکه مسئله فیلم این نیست بخواهیم رفتن رضا را تبیین کنیم. ایدئولوژی شهید سنجرانی درباره رفتن به سوریه مسئله اصلی مستند نیست. مسئله اصلی فیلم معرفی او به عنوان یک شخصیت متفاوت در بین رزمنده‌هاست؛ آن طور که خودش دوست داشت. من از رضا فیلم و تصویر دارم و او در وصیتنامه‌اش هم می‌گوید که خواهشاً من را قدیس معرفی نکنید؛ من را طوری معرفی کنید که بوده‌ام. حتی با زبان طنز می‌گوید من بارها از خدا خواسته‌ام توفیق توبه به من ندهد! من همین رضا سنجرانی را دوست دارم؛ البته رضا این‌ها را با شکسته نفسی و تواضع بیان می‌کند. چون قطعاً اگر تحولی در آدم اتفاق نیفتاده باشد، به این درجه نائل نمی‌شود. اما می‌خواهم بگویم سعی کردم او را طوری روایت کنیم که خودش خواسته است. چه بسا اگر اعتقاد به حیات شهید داشته باشیم که داریم، معتقدم شهید خودش را و هدایت را برای منی که دارم برای او فیلم می‌سازم، به ارمغان آورده است.

◆ از واکنش مردم نسبت به اثر گفتید در بین مستندسازان و منتقدان اقبال به کار شما چطور بود؟

درباره نظر مستندسازان باید بگویم وقتی به من خبر دادند که مستند در جشنواره عمار صاحب جایزه شده است، به بچه‌ها گفتم بعید است که در کارگردانی و تدوین جایزه بگیرد. چون مدل روایی و فرم کار چیز جدیدی ندارد و به نظر من مستند به لحاظ سوژه و پرداخت جایزه خواهد گرفت که همین اتفاق هم افتاد. یعنی لوح تقدیر به خاطر انتخاب سوژه جدید و خاص و پرداخت مناسبی که داشت، در بین بچه‌های مستندساز مورد توجه قرار گرفت.

خبر

«محمود پاک‌نیت» در سالگرد زنده یاد «سلحشور»:

مردم سریال‌های قرآنی «حاج فرج» را فراموش نخواهند کرد

تسنیم: محمود پاک نیت که نقش حضرت یعقوب(ع) را برای سریال فرج‌الله سلحشور ایفا می‌کرد این روزها مشغول سریال «حکایت‌های کمال» است. وقتی هنوز از او درباره فرج الله می‌پرسم او از این عبارت استفاده می‌کند: مردم «حاج فرج» را فراموش نخواهند کرد. یا اسماعیل سلطانیان که چندی است روی آنتن تلویزیون دیده نمی‌شود و به خاطر عارضه بیماری چندی است در بیمارستان و الان اکنون نقاهت را می‌گذراند خدا را شاکر است که توانسته در سریالی بازی کند که فرج‌الله سلحشور کارگردانش بوده است.

پاک‌نیت ترجیح داد خاطره‌ای از فرج‌الله سلحشور تعریف کند که قبلاً مطرح کرده بود ولی خودش اعتقاد داشت که لازم است دوباره با این خاطره، اخلاق و منش رفتاری فرج‌الله سلحشور را برای عده‌ای که اخلاق را قربانی کرده‌اند، یادآوری کند. کمتر سراغ داریم در پروژه‌های فاخر این گونه برخورد کنند. واقعاً ویژگی‌هایی که در اسلام بر آن تأکید شده را بدون ریاکاری به رخ می‌کشید. تبعیضی نمی‌دیدیم و این اتفاق به وضوح در تصویربرداری گرمای سوزان تابستان شهرک سینمایی دفاع مقدس دیده شد. جایی که روزانه ۷۰۰ تا ۸۰۰ سیاهی لشکر داشتیم و گرمای تابستان وحشتناک بود.

وی افزود: عزیزان سیاهی لشکر و بازیگرهای اصلی همواره در آفتاب بودند و سر ساعت ۱۲ که کار تعطیل می‌شد ایشان می‌گفتند اول عزیزان سیاهی لشکر بروند در سوله‌های مشخص شده غذا بخورند و بعد آن هنرپیشه‌های اصلی و گروه‌های فنی که به تعبیر ایشان خودمانی‌ها! جالب است بدانید روزهایی که سیاه لشکر داشتیم بهترین غذاها را پخت می‌کردند و می‌گفتند ممکن است در خانه و زندگی‌شان گوشت نداشته باشند تا بخورند. این بود که بهترین غذاها را آن روزها می‌دادند. البته این خاطره را بارها و بارها نقل کرده‌ام ولی جایش بود در سومین سالگرد درگذشت این کارگردان ارزشمند دینی تکرار کنم.

پاک نیت با اشاره به اینکه واقعاً کار دینی، دینی اتفاق می‌افتاد، خاطرنشان کرد: فرج‌الله سلحشور را کارگردان متعهد به دین می‌دانم چون با یک آیه قرآن کار را آغاز می‌کرد و پایان آن با یک صلوات بود. من در مدت همکاری با ایشان از این همه اخلاق مداری، رفتار و منش حاج فرج لذت بردم.

پذیرش آگهی
در سراسر کشور
۳۷۰۸۸
توزیع در بیش از ۷۰ شهر و شهرستان کشور
موسسه فرهنگی قدس
س ۹۷۱۷۹۴۶

آگهی تغییرات شرکت بینالود طرح سپهر پارسیان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۵۵۶۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۱۹۸۲۵۲
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۱۰،۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : خانم زهرا تقی زادگان با شماره ملی ۰۹۴۶۷۵۷۲۱۶ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و خانم فریال اسماعیلی یزدی با شماره ملی ۰۹۴۱۵۰۵۶۶۹ به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم فاطمه تقی زادگان با شماره ملی ۰۹۴۶۵۰۵۷۲۱ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره برای باقیمانده مدت تصدی هیئت مدیره تاتاریخ ۱۳۹۸،۰۶،۱۰ انتخاب گردیدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۳۹)
س ۹۷۱۷۹۴۶

آگهی تغییرات شرکت صنایع تولیدات کاغذی خراسان گلریز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۵۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۳۱۸۴۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۹،۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : گروه کارخانجات کاغذ سازی نگین خراسان (شناسه ملی:۱۰۳۸۰۴۹۵۳۳۲و شماره ثبت۳۴۳۲۲ و شرکت تولیدات کاغذی نوید سلولز توس (شناسه ملی:۱۰۳۸۰۵۱۸۶۹۴و شماره ثبت۳۶۳۴۴) و شرکت تولیدات کاغذی شکوفه خراسان (شناسه ملی:۱۰۳۸۰۱۹۲۱۷۴و شماره ثبت:۳۳۱۷) به سمت اعضا اصلی هیئت مدیره برای مدت ۲سال انتخاب شدند. – موسسه حسابرسی فراز مشاور (شناسه ملی:۱۰۱۰۰۲۱۸۴۰۰) عنوان بازرس اصلی و آقای حسن ظفریان (کد ملی ۰۹۴۰۸۲۱۱۶)برای یک سال مالی انتخاب شدند. – روزنامه قدس به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۷۹)
س ۹۷۱۷۹۸۴

آگهی تغییرات شرکت سامان آفرین طوس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۹۰۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۹۳۴۵۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای محسن پورا شرفی کد ملی : ۰۹۳۰۷۱۷۰۱۵ به سمت رئیس هیئت مدیره وخانم منصوره پورا شرفی کد ملی : ۰۹۴۳۳۳۴۹۹۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و خانم حمیده پورا شرفی کد ملی : ۰۹۳۰۷۱۷۰۲۳ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره و مدیرعامل برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور و رسمی و بانکی شرکت با امضاء ثابت مدیرعامل و مهر شرکت معتبر خواهد بود
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۴۳)
س ۹۷۱۷۹۴۹

آگهی تغییرات شرکت نوین آتی گستران اقلیم هشتم شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۲۶۰۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۴۳۴۷۰۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۶،۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : تعداد اعضا هیئت مدیره از ۴ نفر به ۸ نفر افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۴۲)
س ۹۷۱۷۹۴۷

آگهی تغییرات شرکت گروه کارخانجات کاغذسازی نگین خراسان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۴۳۲۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۹۵۳۳۲
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۱۱،۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای محمد حسین مرادیان شماره ملی ۲۱۸۰۰۶۸۴۶۸ به عنوان مدیر عامل خارج از اعضای هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۹،۴،۲۱ انتخاب گردیدند . کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور و رسمی و بانکی با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود .
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۷۶)
س ۹۷۱۷۹۵۳

آگهی تغییرات شرکت اطلس سازه همگام شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۳۰۴ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۱۸۲۹۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای احمدرضا صفار طبسی کدملی ۰۷۰۰۳۴۲۵۸۳ به سمت بازرس اصلی و خانم مژگان نوعی خبازان کدملی ۰۹۴۱۵۲۰۳۱۵ بسمت بازرس علی البدل شرکت برای سال مالی ۹۷ انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار قدس جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد .
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۳۴)
س ۹۷۱۷۹۴۵

آگهی تغییرات شرکت صنایع تولیدات کاغذی خراسان گلریز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۵۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۳۱۸۴۳
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۹،۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای محمدرضا هاشمیان(کد ملی:۰۰۵۴۱۴۳۸۲۹) به نمایندگی از شرکت گروه کارخانجات کاغذ سازی نگین خراسان (شماره ثبت:۳۴۳۲۲وشناسه ملی:۱۰۳۸۰۴۹۵۳۳۲) به سمت رئیس هیئت مدیره آقای محمد کمال هاشمیان(کد ملی:۰۰۵۶۲۱۳۰۶۹) به نمایندگی از شرکت تولیدات کاغذی نوید سلولز توس (شماره ثبت:۳۶۳۴۴و شناسه ملی:۱۰۳۸۰۵۱۸۶۹۴) به عنوان نائب رئیس هیئت مدیره و شرکت تولیدات کاغذی شکوفه خراسان (شماره ثبت:۳۳۱۷و شناسه ملی:۱۰۳۸۰۱۹۲۱۷۴) با نمایندگی آقای جلیل هاشمیان (کد ملی:۰۹۳۸۸۵۵۲۱۲)به عنوان عضو هیئت مدیره و آقای محمد رضا هاشمیان (کدملی:۰۰۵۴۱۴۳۸۲۹)به سمت مدیر عامل برای مدت دو سال برگزیده شدند و کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور و رسمی و بانکی با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود .
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۴۶)
س ۹۷۱۷۹۵۰

آگهی تغییرات شرکت اطلس سازه همگام شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۳۰۴ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۱۸۲۹۵
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۱۲ وبنا به تفویض اختیار ازمجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۱۰ در خصوص افزایش سرمایه شرکت وبا عنایت به اظهارنامه تنظیمی و همچنین سند حسابداری صادره مبنی بر تصفیه مطالبات و انتقال مطالبات مذکور به حساب سرمایه هیئت مدیره شرکت افزایش مزبور را عملی دانسته در نتیجه مبلغ ۹۹۵۰۰۰۰۰۰ ریال از حساب بدهی شرکت کسر گردیده و به حساب سرمایه منظور گردیده است در نتیجه ماده ۵ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح می گردد : ماده ۵ اصلاحی : سرمایه شرکت مبلغ یک میلیارد ریال منقسم به بیست هزار سهم پنجاه هزار ریالی با نام می باشد که تماماً پرداخت گردیده است.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۲۱)
س ۹۷۱۷۹۴۳

آگهی تغییرات شرکت سامان آفرین طوس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۹۰۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۹۳۴۵۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای محسن پورا شرفی کد ملی : ۰۹۳۰۷۱۷۰۱۵ خانم منصوره پورا شرفی کد ملی : ۰۹۴۳۳۳۴۹۹۳ و خانم حمیده پورا شرفی با کد ملی : ۰۹۳۰۷۱۷۰۲۳ به سمت اعضا اصلی هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند. – خانم وجیهه تقی پور با کدملی : ۰۹۴۶۱۵۹۵۷۲ به سمت بازرس اصلی و خانم فیروزه منشاد گل خطمی با کدملی : ۰۹۲۲۱۴۶۰۵۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. – روزنامه قدس جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۵۷)
س ۹۷۱۷۹۵۱

آگهی تغییرات شرکت کیمیا در آسان توس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۱۴۴۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۷۶۹۰۵۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۱۰،۰۹ وبنا به تفویض اختیار ازمجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۱۰،۰۸ در خصوص افزایش سرمایه شرکت وبا عنایت به اظهارنامه تنظیمی و همچنین سند حسابداری صادره مبنی بر تصفیه مطالبات و انتقال مطالبات مذکور به حساب سرمایه هیئت مدیره شرکت افزایش مزبور را عملی دانسته در نتیجه مبلغ یکصدوبیست میلیارد ریال از حساب بدهی شرکت کسر گردیده و به حساب سرمایه منظور گردیده است در نتیجه ماده ۵ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح می گردد : ماده ۵ اصلاحی : سرمایه شرکت مبلغ یکصدوسی میلیارد ریال منقسم به سیزده هزار سهم ده میلیون ریالی با نام می باشد که تماماً پرداخت گردیده است.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۹۵۰۲۲)
س ۹۷۱۷۹۴۴

آگهی تغییرات شرکت خدماتی شهرک صنعتی کاشمر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۹۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۶۴۰۴۱۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۱،۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : –بنا به تفویض اختیار حاصله از مجمع عمومی فوق العاده مورخ۹۶،۱۱،۲۹ به هیئت مدیره در خصوص افزایش سرمایه ضمن رعایت کلیه تشریفات قانونی سرمایه شرکت از مبلغ ۶۸۷۸۵۲۰۰ ریال به مبلغ۸۳۳۰۳۲۰۰ ریال از محل واریز نقدی مورد تصویب قرار گرفت.و با عنایت به اظهارنامه تنظیمی وگواهی بانکی شماره ۵۳۱۱،۶۳۳۳ مورخ۹۷،۱،۲۸ بانک ملت کاشمر مبنی بر واریز مبلغ۱۴۵۱۸۰۰۰ ریال به حساب سپرده مخصوص هیئت مدیره شرکت افزایش مزبور را عملی دانسته در نتیجه ماده ۵ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح می گردد : ماده ۵ اصلاحی : سرمایه شرکت مبلغ۸۳۳۰۳۲۰۰ ریال منقسم به۴۱۶۵۱۶ سهم۲۰۰ ریالی با نام می باشد که تماماً پرداخت گردیده است.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کاشمر (۳۹۵۰۶۷)
س ۹۷۱۷۹۵۲

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه

گزارش از شخص

شاه بی‌دل و دماغ

«احمد شاه» اسفند ۱۳۰۸ در پاریس مُرد

ایستگاه/ مجید تربت زاده| در همه دوران زندگی و سلطنت کوتاه و ناپایدارش، نقطه روشن، بخت واقبال بلند، تصمیم جدی و اقدام مثبت و تأثیرگذاری دیده نمی‌شود که بتوانیم دلمان را به آن خوش کرده و آخرین تاجدار سلسله قاجار را به همان بهانه، سوژه گزارش از شخص کنیم. بنابراین بهانه دیگری نمی‌ماند جز ۹ اسفند سال ۱۳۰۸ که می‌گویند در فرانسه، مرگ، ردای زندگی را هم مثل تن‌پوش سلطنت از تنش بیرون آورد. «احمد شاه» گویا آخرین رمق و نفس‌های احتضار سلسله قاجار بود. همان قدر هم که در سلطنت بی‌رمق بود، از تاج و تخت و مسئولیت‌های سنگینش فراری به نظر می‌رسید. خیلی‌ها خواستند و تلاش کردند تا نگذارند تیغ بی‌رحم رخدادهای سیاسی و غیرسیاسی، زنجیره سلطنت قاجاریه را قطع کند، شاه خام و جوان اما خودش این را نخواست. همین شد که میراث سلطنت را نه خودش درست و حسابی خورد و نه راضی شد ولیعهد و جانشینش آن را بخورد.

در نوبت نماند

سال ۱۲۷۵ که در تبریز به دنیا آمد، پدرش هنوز ولیعهد بود. بنابراین کودک تازه رسیده، خاطر ولیعهد را بابت جانشین آینده‌اش آسوده کرد و خودش هم شد «احمدمیرزا». ۱۰ سالی طول کشید تا مرگ، پدربزرگش را وادار کند دست از سلطنت بکشد، پدرش روی تخت بنشیند و «احمد میرزا» هم جای پدر را بگیرد. سلطنت پدر دوام چندانی نداشت و سه سال بعد که تهران به دست مشروطه خواهان افتاد، مجلس عالی ایران او را از مقامش عزل کرد و به تبعید فرستاد و «احمد میرزا» را با ۱۲ یا ۱۳ سال سن به عنوان شاه انتخاب کرد. شاید این را از خوش شانسی‌اش بدانید که مجبور نشد مثل پدر و پدربزرگش سال‌های سال در نوبت سلطنت بماند. اما این به اصطلاح شانس، خیلی پیش از موعد و با شتاب، آن هم در حساس‌ترین دوره تاریخ معاصر، درِ خانه «احمد میرزا» را زده و او را از خواب و دنیای کودکانه‌اش بیرون کشید. قانون اساسی نمی‌گذاشت مشروطه خواهان پس از برکناری شاه، خودشان شاه جدیدی را برای مملکت دست و پا کنند. چون تاج شاهی هنوز برای سرش بزرگ بود، نایب السلطنه انتخاب کردند که تا رسیدن «احمد میرزا» به سن و سال قانونی، وظایف شاه و دربار را به عهده بگیرد. نایب السلطنه اول، بزرگ ایل قاجار یعنی «عضد الملک» بود و نایب السلطنه دوم هم «ناصر الملک» که تربیت و آماده کردن «احمد میرزا» را برای نشستن روی تخت سلطنت بر عهده داشت.

۱۷ سال

نمی‌دانیم در طول چهار یا پنج سال انتظار برای پادشاهی، چقدر می‌شود آداب سیاستمداری و مملکت داری را آموخت. البته پادشاهی کردن به سبک و سیاق پدر و پدربزرگش نیاز چندانی به یادگیری مملکت داری و حکمرانی نداشت! پس از قیام مشروطه خواهان هم که دست و پای استبداد جمع شده بود و قرار نبود شاه مملکت، دستی در امور اجرایی داشته باشد و نقش پررنگی در مملکت داری ایفا کند. پیش از تاجگذاری در ۱۷ سالگی ازدواج کرد و یک سال بعد هم تاج شاهی را روی سرش گذاشت تا ۱۷ سال به صورت کج دار و مریز سلطنت کند. مشکلش فقط بی‌میلی به سلطنت و کم لیاقتی نبود. ولیعهد تپل مپل سابق و شاه نسبتاً گوشتالود و کوتاه قد ایران، سقف آرزوها و اراده‌اش هم کوتاه بود. بخت و اقبالش نیز همان طور که بالاتر گفتیم تعریفی نداشت وگرنه به محض تاجگذاری رسمی‌اش، جنگ جهانی اول آغاز نمی‌شد و روسیه، انگلیس و عثمانی هرکدام بخش هایی از ایران را اشغال نمی‌کردند! فهرست زیر شامل رخدادهای مهمی است که در طول دوران سلطنت او در ایران یا جهان شکل می‌گیرد: «اعدام شیخ فضل‌الله نوری... فرار محمدعلی شاه... اولتیماتوم روسیه به ایران... به توپ بستن بارگاه امام رضا(ع) توسط نظامیان روسیه... قیام مردم بوشهر علیه نظامیان انگلیس... قیام شیخ محمد خیابانی... قیام میرزا کوچک خان جنگلی... کودتای رضاخان پهلوی... جنگ جهانی اول... انقلاب بلشویکی در روسیه... تأسیس جامعه ملل ».

قرارداد۱۹۱۹

درست است که هرکدام از رخدادهای این فهرست برای سرنگون‌کردن چند پادشاه با مشخصات و توانایی‌های «احمدشاه» و یا سقوط یک حکومت کافی است، اما این را هم فراموش نکنیم که برخی از این رخدادهای داخلی یا خارجی می‌توانستندفرصت‌هایی‌باشندبرای رشد و ترقی یا حداقل بیرون بردن کشور از بحران و یا وابستگی. با این همه نه شاه جوان ایران دل و دماغ درافتادن با بحران‌ها و فرصت سازی را دارد و نه در میان دولتمردان و یا سیاستمداران آن روزگار افراد لایق و دلسوزی پیدا می‌شدند که اختیار و توان این مهم را داشته باشند. برعکس افرادی چون وثوق الدوله و تیم مثلاً دیپلماتیکش وجود دارند که پس از ۹ ماه مذاکره پنهانی با انگلیسی‌ها و دریافت رشوه‌ای کلان با امضای قرارداد معروف ۱۹۱۹، سیاست، اقتصاد، ارتش و همه چیز ایران را به انگلیسی‌ها می‌بخشند. این قرارداد هم از جمله رخدادهای عجیب و غریب و مهم دوران سلطنت «احمد شاه» محسوب می‌شود و «وثوق الدوله» درست در آستانه سفر او به اروپا، از این قرارداد رونمایی و اعلام می‌کند هیئت وزیران آن را تأیید کرده است. قرارداد ۱۹۱۹ بعدها با اعتراض مردم و جریان‌های مختلف سیاسی و مذهبی و همچنین عزل احمد شاه، لغو می‌شود اما تا سال‌های سال مانند یک معما و یا لکه سیاه در پرونده سلطنت شاه جوان قاجار خودنمایی می‌کند.

ژن فرنگ رفتن

ژن سلطنت، اقتدار سلطانی و دیکتاتوری را اگرچه از پدرانش به ارث نبرده و خیلی از تاریخ نویس‌ها او را دموکرات‌ترین و مشروطه خواه‌ترین شاه قاجار می‌دانند که به قانون اساسی هم پایبند بوده است، اما ژنِ فرنگ رفتن و دلبستگی به جاذبه‌های فرنگی در وجودش پیدا می‌شود. «احمد شاه» هم مثل پدرانش حاضر است در حساس‌ترین شرایط تاریخی و زمانی که اوضاع کشور بسیار نابسامان است، از سیستم بانکی قرض بگیرد و راهی فرنگستان شود. دوست دارد بیشتر از اینکه خودش در رأس امور باشد و بر اوضاع نظارت کند، دولتمردان و افراد مورد اعتمادش زحمت نظارت و گرداندن چرخ مملکت را بکشند و او فقط پادشاهی‌اش را بکند.

البته چه در دوره‌ای که «رضاخان» به قدرت می‌رسد و چه بعدها، هستند کسانی که در تاریخ دست برده و تلاش کرده‌اند از «احمد شاه» چهره‌ای موجه و حتی فداکار برای ایران بسازند. یکی از این تلاش‌ها این بود با قصه سازی و جعل رخدادهای تاریخی، وانمود کنند آخرین شاه قاجار با قرارداد ۱۹۱۹ مخالف بوده و نه تنها حاضر نمی‌شود در مراسمی که دربار انگلیس برای او می‌گیرد یک کلمه در تأیید آن حرف بزند، بلکه به زبان فرانسه سخنرانی آتشینی هم علیه آن می‌کند. دکتر «جواد شیخ الاسلامی» اما در این باره نوشته است: «احمد شاه در آن زمان تا این درجه به زبان فرانسه مسلط نبود که بتواند در نطقی آتشین خیانت‌های انگلستان را فهرست وار بشمارد... گزارش مفصل میهمانی آن شب، روز بعد در روزنامه تایمز چاپ شد و فتوکپی آن در اختیار این بنده است و چنین سخنان آتشینی در آن نیست...متن کامل سخنان احمد شاه در روزنامه چند روز بعد منتشر شد که در آن می‌گوید: بی نهایت خوشحال و سعادتمندم که می‌توانم اعلام کنم تا چه اندازه از بسته شدن قرارداد اخیر خوشحالم...».

شاه هم احتکار می‌کرد!

البته ژن مال دوستی و عیش و عشرت را هم فراموش نکنید که براساس نوشته‌های تاریخ نویسان به احمد شاه منتقل شده است. آنچه هم که درباره مخالفت او با قرارداد۱۹۱۹ و نارضایتی از آن نوشته‌اند در واقع دلخوری شاه از مبلغ رشوه کلانی است که به وثوق الدوله رسیده و به خزانه سلطنتی چیزی نماسیده است. این پول دوستی در حد و اندازه‌ای است که حاضر می‌شود با قول و قرار دریافت ماهیانه ۱۵ هزار تومان از انگلیسی‌ها، وثوق الدوله را در نخست وزیری و مصدر امور حفظ کند تا کارها طبق نظر انگلیسی‌ها پیش برود. فاجعه بارتر از این رفتار شاه در دوران قحطی و بدبختی است. «مستوفی الممالک» که نخست وزیر وقت بوده، چاره‌ای نمی‌بیند جز اینکه هر طور هست گندم را با قیمت گزاف از محتکران بخرد. خبر می‌رسد انبارهای شاهی نیز مملو از گندم احتکار شده است. فرستاده نخست وزیر بارها می‌رود و می‌آید اما احمد شاه حاضر نمی‌شود گندم هایش را حتی یک شاهی کمتر از قیمتی که دیگر محتکران به دولت می‌فروشند، بفروشد. آخرِ کار هم گندم می‌دهد و تا شاهی آخرش را از دولت می‌گیرد!

دیر شده بود

قصه دیگری که از زندگی او ساخته‌اند این است که چون با انگلیسی‌ها راه نیامد، آن‌ها رضاخان را ساختند و پرداختند تا سلطنتش را زیر و رو کند. خاطرات «آیرون ساید» اما نشان می‌دهد یکی از شرایط چندگانه انگلیسی‌ها برای اینکه «رضاخان» سردار سپه شود این است که به جایگاه شاه و سلطنت کاری نداشته باشد. «رضاخان» چهار سال پای این قول و قرار می‌ایستد، اما بی دست و پایی و عیش و عشرت‌طلبی احمد شاه انگار حوصله‌اش را سر می‌بَرد. سفرهای پی در پی به فرانسه و بی‌حوصلگی سیاسی‌اش عاقبت کار دست خودش و ایران و ایرانی‌ها می‌دهد. «مدرس» که متوجه شده رضاخان و انگلیسی‌ها دارند از بی‌دست و پایی شاه جوان سوءاستفاده می‌کنند، به او در فرانسه نامه می‌نویسد و درخواست می‌کند یا به ایران برگردد و بر اوضاع نظارت داشته باشد یا اینکه ولیعهدش را جانشین خودش کند.

«احمد شاه» اما به قول خودش برای ماندن و «سلطنت کردن بر خرابه‌های ایران خلق نشده است». ویرانی و بدبختی حالش را بد می‌کند و ترجیح می‌دهد از مناظر زیبای پاریس و نیس لذت ببرد. تنها وقتی یاد آموخته‌های تحصیلی‌اش در رشته حقوق می‌افتد و از قانون اساسی و حق و حقوق سلطنت حرف می‌زند که مجلس مؤسسان در ایران «رضاخان» را به جای او روی تخت سلطنت نشانده است. اما دیگر دیر شده و شاه خسته و بی حوصله باید با مستمری و البته ثروت کلانی که از ایران خارج کرده تا ۳۳ سالگی منتظر بماند تا مرگ در بیمارستانی در فرانسه به سراغش بیاید.

روزمره نگاری

قَسم‌ها رژه می‌روند

رقیه توسلی: «اگر از این بیشتر غیظام بگیرد، جان بچه هام دیگه نه تو، نه من... به خدا قسم نا ندارم، مریضم... به مرگ مادرم، میرم پشت سرمو نگاه نمی‌کنم... خدا شاهده من مقصر نیستم... به مقدسات قسم، اون آدم دوروئیه...».

روز پُر قَسمی را پشت سر گذاشتم. آن قدر که صبردانم از شنیدن سوگند سرریز شده. روز پُر فراز و فرودی که تا جا داشت جملاتی سنجاق شده به اسماء الهی، کتاب خدا و عزیزان درجه یک را شنیدم.

با ذهنی پُر سؤال رسیدم خانه. اما انگار آن آدم‌ها بی‌خیالم نشدند و همراهم آمدند و در آشپزخانه دارند توی گوشم هنوز برای باورکردن حرف‌هایشان از مقدسات مایه می‌گذارند.

یک لیوان آب برمی‌دارم و از خودم می‌پرسم چقدر اهل قسم ام؟ می‌پرسم چرا مردم از جان دلبندانشان مایه می‌گذارند، از شرف و ناموسشان و یک جمله خیلی عادی را می‌چسبانند به قسم؟

چرا حواسمان نیست که محق بودن به زور زدن نیست. به استفاده مستمر از اسامی متبرک. اصلاً از کی این مسئله مهم، این اندازه دم‌دستی و عادی شده بین ما؟ شده چاشنی گفت‌وگوها!

جرعه‌ای آب می‌نوشم و دلم می‌خواهد به مرد توی فروشگاه بگویم حرف راست، قسم ندارد. به زن ایستاده در ایستگاه اتوبوس، به مرد تلفن به دست عصبانی توی بانک، به فروشنده میوه و به آقای پشت چراغ قرمز.

و بی‌اندازه از پایبند نبودن آدم‌ها به یک سری اصولِ واجب، متعجبم.

دلم می‌خواهد به همشهریانی که روزم را پُر از قسم کرده‌اند و حالا جمع شده‌اند توی آشپزخانه‌ام بگویم، این تکه تکه قسم‌ها گاهی سیلِ می‌شود. بگویم که اعتماد دیگران با شنیدن قسم‌های پُررنگمان جلب نمی‌شود. با آن اثبات نمی‌شویم. کسی ما را به خاطر قسم خوری مان، اصل‌تر و حقدارتر نمی‌داند.

منهای سیاست

داستانِ سوگلی‌ها

م.ظرافتی: این درست که سواد سیاسی مان نم کشیده، ولی این باعث نمی‌شود که شباهت‌های رفت و آمد آقای ظریف در وزارت امور خارجه را با رفت و آمدهای سردار آزمون در تیم ملی متوجه نشویم. اصلاً به نظر ما سردار و جواد خان باهم مو نمی‌زنند! برای اینکه باور کنید ما هم سرمان از سیاست در می‌آید و روی هوا صحبت نمی‌کنیم، بخشی از این شباهت‌ها را برایتان آماده کرده‌ایم:

نخستین شباهت: سردار خان و آقا جواد جفتشان سوگلی‌اند. یکی سوگولی کارلوس کی روش و دیگری سوگلی رئیس جمهور. دستاوردهای کی روش و رئیس جمهور هم انگار فقط به سوگلی هایشان مرتبط است و زندگی برای آن‌ها شاید بدون اکسیژن ممکن باشد، اما بدون سوگلی‌های شان هرگز!

دومین شباهت: همان طور که فقط خارجی‌ها و کی روش از سردار راضی‌اند و عملکردش در تیم ملی هیچ وقت همه هموطنان را راضی نمی‌کند، آقا جواد هم فقط توسط خارجی‌ها و حسن روحانی به عنوان یک دیپلمات درجه یک تأیید می‌شود و همیشه در ایران هزار جور منتقد و مخالف دارد.

سومین شباهت: همان طور که سردار سر مردم منت می‌گذارد که از تعطیلاتش زده و به اردوی تیم ملی ملحق شده و نقش مهمی در موفقیت تیم ایفا کرده، آقای ظریف هم دائم به مردم تذکر می‌دهد که اگر نبود و برجام را امضا نمی‌کرد ما الان چقدر بدبخت و بیچاره بودیم! درحالی که این فقط نظر خودِ این عزیزان درباره خودشان است و به نظر خیلی‌ها همان قدر که سردار باید توی تعطیلات می‌ماند و به تیم ملی ملحق نمی‌شد، چه بسا ظریف هم باید توی خانه می‌ماند و برجام را امضا نمی‌کرد!

چهارمین شباهت: اگر روزی به هرکدامشان بگویی «عزیزم دقت کن»، به تریج قبایشان برمی‌خورد و در اینستاگرام استعفا می‌دهند و درحالی که دلشان پیش تیم ملی یا وزارت امورخارجه است، وانمود می‌کنند خدمت به مردم بس است و وقتش شده بروند دنبال زندگی خودشان! در عین حال با اولین پیشنهادِ بازگشت از سوی تنها کسی که قبولشان دارد، با سر بر می‌گردند... **همکارانم اشاره می‌کنند که این دو نفر البته یک تفاوت مهم هم دارند. یعنی یکیشان سابقه گل زدن به دروازه خودی را ندارد، ولی آن یکی دیگر دارد... البته مسئولیت و عواقب پیدا کردن یک تفاوت در میان این همه شباهت به عهده همکارانم است و این ستون در این زمینه هیچ مسئولیتی را نمی‌پذیرد!**

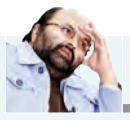

کلیدها

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب|

انسان ایرانی و چالش بالش

شبی با یکی از شاعران خوب روزگارمان در مسافرخانه‌ای هم اتاق بودیم. بالش من کوچک بود و داشتم با آموزه‌های صبر و تحمل که از کودکی آموخته‌ام سعی می‌کردم با مشکل کنار بیایم. آن قدر هم خسته بودم که توان فکر کردن نداشتم و بسادگی در معرض یک خواب ناراحت و بعد هم گردن درد احتمالی بودم. ناگهان دوستم شروع به شکایت از بالش خودش کرد. مشکل او دقیقاً عکس مشکل من و بالش او بزرگ‌تر از اندازه لازم بود. شکایت او سبب شد به سرعت بالش‌هایمان را عوض کردیم و مسئله حل شد.

وقتی از مشکل ضعف مدیریت حرف می‌زنیم منظور چنین وضعیتی است. ضعف مدیران ما دو ضلع مهم دارد. یکی نگفتن و مطالبه نکردن ما و دومی نابلدی و کارناشناسی خودشان. اگر ما حرف بزنیم دومی به مرور حل خواهد شد، ولی اگر ما به جای حل مشکل در ساختار اجتماعی و اداری، سعی کنیم که نخستین واکنشمان تلاش برای تحمل و ساختن با شرایط باشد همه چیز همین گونه خواهد ماند.

تجربه جریان‌های اخیر عدالتخواهی در اینستاگرام و عدالتخواهی ائمه جمعه نشان می‌دهد نظامات اجتماعی ما ظرفیت اصلاح را دارند، اما خود ما انتخابمان تحمل بوده است و نخواسته‌ایم درد را حتی بیان کنیم.

نمی‌دانم این بحران به هویت و آموزه‌های انسان ایرانی بر می‌گردد و یا قصه چیزی دیگر است؟ ولی به هر حال بسیاری از چالش‌های امروز ما در حد همین چالش بالش است و بسادگی با مطالبه‌گری حل شدنی است.

نظام‌های اجتماعی و سیاسی و قوانین ما ظرفیت حل بحران‌ها را دارند، ولی ما به دلایل تربیتی و روانشناختی مختلف هنوز به مرحله طرح مسئله نرسیده‌ایم.

بحران جنسی در جامعه امروز ایران یکی از همین مسائل است. در کشور ما مردان و زنان مجرد به اندازه کافی هستند و فقه ما با ساختارهای ازدواج دائم و موقت اجازه و خلاقیت کافی برای حل معضلات جنسی را در هر شرایط فرهنگی و اقتصادی دارد، ولی مسئله اصولاً طرح نمی‌شود.

نه روحانیان، نه جامعه شناسان و نه مدیران و صاحب منصبان ما هیچ کدام به سراغ طرح درست این مسئله نمی‌روند تا مسئله‌ای به این سادگی آن قدر پیچیده می‌شود که در چند دوره انتخابات اخیر بسیاری از توان‌ها و قدرت‌های کشور ما را فدای خودش می‌کند. کلید واژه آزادی و آزادی‌های اجتماعی خیلی وقت‌ها اسمی برای طرح کردن و طرح نکردن مسئله بحران جنسی در سطوح جدی طرح مسئله است.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

باز هم سردار سلیمانی

فصلنامه «فارین پالیسی» پرونده‌هایی را به بزرگ‌ترین متفکران و اندیشمندان جهان در یک دهه گذشته در شاخه‌های مختلف اختصاص داده و فعالیت‌ها و تأثیرات آن‌ها بر دنیای امروز را زیر ذره‌بین برده است. شاخه‌هایی که این نشریه در آن به معرفی متفکران و شخصیت‌های تأثیرگذار دهه گذشته پرداخته شامل: فناوری، انرژی و آب و هوا، اقتصاد و تجارت، علم و سلامت، عمل‌گرایان و هنرمندان، دفاع و امنیت، افراد زیر ۴۰ سال، درگذشتگان، انتخاب خوانندگان و ۱۰ نفر برتر تمامی شاخه‌ها بوده است. نکته جالب توجه در این پرونده، حضور سردار قاسم سلیمانی در بین افراد منتخب حوزه دفاع و امنیت مجله «فارین پالیسی»است.

رهبر رئال مادرید

ماهنامه فرانس فوتبال در مصاحبه‌ای اختصاصی به سراغ ستاره فرانسوی تیم رئال مادرید رفته است. کریم بنزما در مصاحبه با این نشریه گفته عاشق زندگی کنونی خود است حتی اگر دیگر به تیم ملی فرانسه به خاطر مشکلات حاشیه‌ای دعوت نشود. بنزما همچنین می‌گوید در زمان حضور کریستیانو رونالدو در رئال همه تلاشش کمک به او بوده، اما با رفتن این ستاره پرتغالی به یوونتوس، اکنون خود را رهبر رئال مادرید می‌داند. فرانس فوتبال همچنین مصاحبه‌ای با امباپه، پدیده جوان تیم پی‌اس‌جی انجام داده که او اصلی‌ترین انگیزه خود را شکستن رکوردهای مختلف عنوان کرده است.

۴ شگفت انگیز

ماهنامه رولینگ استون که ماهیت اصلی آن پرداختن به شاخه‌های مختلف سینما، موسیقی و سرگرمی است، در تازه‌ترین شماره خود رویکردی متفاوت و سیاسی گرفته است که به مذاق بسیاری از طرفداران این مجله در شبکه‌های اجتماعی خوش نیامده است. این نشریه به سراغ چهار زن تأثیرگذار در کنگره آمریکا یعنی نانسی پلوسی، الکساندریا اوکازیو کورتز، ایلهان عمر و جهانا هایس رفته و مصاحبه خود را با عنوان «آینده را زنان شکل می‌دهند»، پیرامون قدرت زنان در جامعه امروز قرار داده است.

جدول ۷۴۸۴

zadehalireza@gmail.com
محمدرضا علی‌زاده

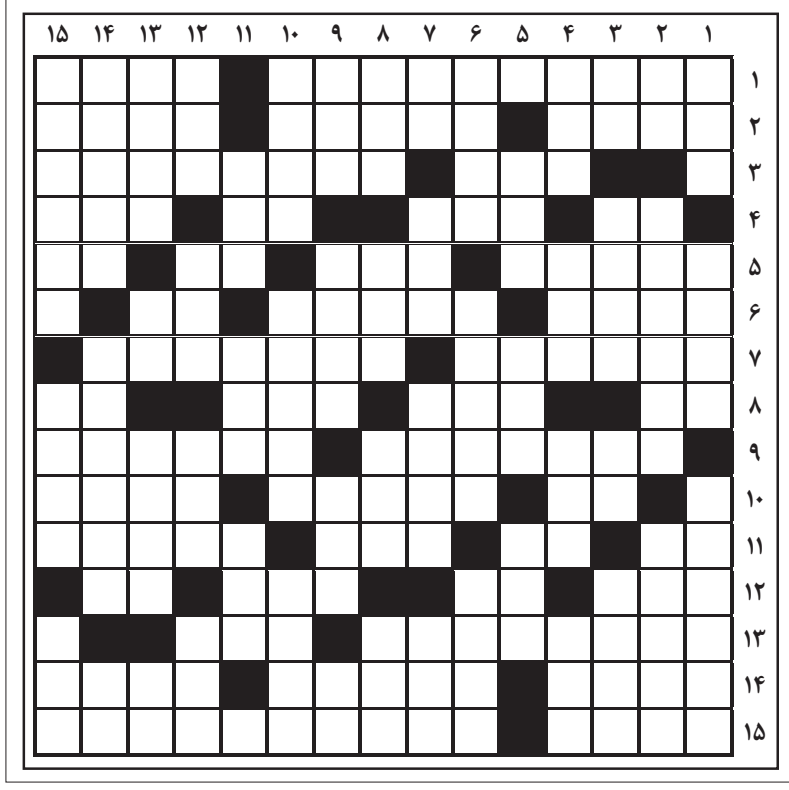

افقی

۱. از روسای اسبق فدراسیون فوتبال کشورمان – چاک ۲. نشانی- خوگرفته- مسیحی ۳. کامیون ارتشی- از درجات روحانیون مسیحی ۴. مادرتازی- نزدیکی- پشته خاک- برچسب تجارتی کالا ۵. محل تخلیه بار کشتی‌ها- دوختن- سخن- جهت ۶. بریدگی زبان- محل سودن گندم- آب بسته ۷. سرزنش کردن- سند منتشرشده توسط یک حزب سیاسی ۸. حرف فاصله- نقطه سیاه روی پوست- خاندان- نپذیرفتن ۹. محرم اسرار- سعی و تلاش ۱۰. بدی- از نیروهای ارتشی- اشعه ۱۱. علامت جمع مونث- سعی و تلاش- بالاپوش- عدد و رقم ۱۲. منفک- حیوان باوفا- گله گوسفند- گرداگرد دهان ۱۳. کاروان شادی- پشم نرم ۱۴. مایه تندرستی است- کیسه چرمی- ناشناخته ۱۵. نرمی- ۱۳و۱۴و۱۵ماه قمری که برایشان در رجب ، شعبان و رمضان فضایل بسیار برشمرده‌اند

عمودی

۱. خزنده گزنده- وسایل- ترازوی بزرگ صنعتی ۲. مجازات شرعی- پول کاغذی- گریختن ۳. تلخ- مال و منال- سایه- از غلات که به عنوان خوراک طیور هم به کار می‌رود ۴. پس غذا- تکه پارچه کهنه- امیدواریم هیچ‌گاه در کار شما نیفتد- بیرون زدن گاز از لوله‌های انتقال آن ۵. گریبان- خاص‌تر- سرشب ۶. مسایل مهم- گاری چوبی دوچرخ- سنگ قیمتی ۷. بیماری- از موآراها- موزه مشهور پاریس- جیحون ۸. خامه- گروه ورزشی- جوانمرد- لغزنده خودمانی ۹. صدا و نوا- لقب شاهان مغول-رفیق شفیق- سودای ناله ۱۰. انزجار- تکنیک ژاپنی ساخت درخت‌های زینتی در ابعاد مینیاتوری- کنیه‌دار ۱۱. جامه درویش- آزاد- از تقسیمات کشوری ۱۲. زمستان- برگ درخت خرما- نیم‌سال تحصیلی- خسیس ۱۳. شیپور بزرگ- ذره خاشاک- وسط- محصول آب و صابون ۱۴. افشره- تخته‌های چوبی زیر ریل راه آهن- زادگاه رازی ۱۵. استراق سمع- یار کلیله- گهواره

حل جدول شماره قبل

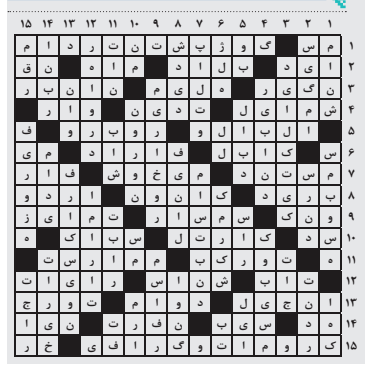

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم
با ما تماس بگیرید